# ۳۰ نکته راهبردی- تحلیلی در خصوص جنگ رژیم صهیونیستی و جمهوری اسلامی ایران

## جهت ارائه به مبلغان، سخنرانان و رسانه ها

معاونت پژوهش و برنامه ریزی

دفتر مطالعات و تحقیقات

خرداد ۱۴۰۴



فهرست مطالب


۱. ریزبدنهٔ اجتماعی به‌مثابه راویان فتح و زبان جنگ وجودی در برابر ریزپرنده‌های جریان نفوذ ..... ۵

۲. تحلیل راهبردی نبرد ایران و رژیم صهیونیستی..... ۷

۳. رهیافت‌ها و راهبردهای قرآنی در شرایط جنگی و آنچه رهبر حکیم انقلاب در ساعات ابتدایی جنگ فرمودند مبتنی بر آیات قرآن بود و تفسیر آیات متعدد قرآن:..... ۸

۴. نقد تمدنی و معرفتی غرب در مواجهه با گشورهای مستقل..... ۱۱

۵. اصرار ایرانیان بر استقلال و هویت مستقل ریشه همه مناقشات و جنگ‌ها..... ۱۳

۶. تاب‌آوری تمدنی و دلایل صبر سرشار ملت بزرگ ایران..... ۱۴

۷. مدیریت اعجازگونه رهبر حکیم انقلاب در جنگ‌ها و بحران‌ها ..... ۱۵

۸. تحلیل مقدماتی تقابل ایران و رژیم صهیونیستی در ۵ روز اخیر..... ۱۶

۹. تشخص تمدنی جهان اسلام در پرتو حرکت موشکی و استقلال ایران ..... ۱۸

۱۰. تشریح ابعاد و ویژگی‌های عملیات غرورآفرین وعده صادق ۳..... ۲۱

۱۱. متافیزیک جنگ و دریافتهایی برای آینده ..... ۲۲

۱۲. دشمن فقط با موشک نمی‌جنگد؛ با داده هم می‌جنگد..... ۲۳

۱۳. نبرد آخر و آینده ایران..... ۲۳

۱۴. چرا ایران پیروز می شود؟..... ۲۴

۱۵. مراقب جنگ روانی و رسانه دشمن باشید..... ۲۵

۱۶. ظرفیت‌های موشکی ایران را قدر بدانیم..... ۲۵

۱۷. مقابله با انتقام ضد انقلاب خائن از مردم..... ۲۶

۱۸. آمریکا هزینه همدستی با اسرائیل را خواهد دید..... ۲۷

۱۹. وضعیت بحرانی و شکننده اسرائیل..... ۲۸

۲۰. غیرت ایرانی پاسخ تهدید است..... ۲۹

۲۱. قدرت‌گیری ایران؛ منشا خشم دشمن ..... ۳۰

۲۲. پرسشی مهم از نسبت اسراییل و آمریکا..... ۳۱

۲۳. با مردم فلسطین سخن بگویید ..... ۳۳

۲۴. قیامت وجودی ایران و طبیعتِ افشاگر جنگ ..... ۳۳
۲۵. پایان جنگ چگونه باید باشد؟ ..... ۳۴
۲۶. مثلث شوم نفوذ، اوباش و ضد انقلاب و خیانت خائنان ..... ۳۵
۲۷. «بزن خراب کن» یا «بایست و نقد کن»؟؛ مرز خیانت و شرافت در عصر وطن‌های متزلزل ..... ۳۷
۲۸. از هر ایرانی چه‌کاری برمی‌آید؟! ..... ۳۸
۲۹. جنگ، جامعه، مسجد ..... ۳۹
۳۰. مقاومت در خبر، مقاومت در عمل / شرحی بر جهاد تبیین در عمل ..... ۴۰

## مقدمه

این نوشتار تحلیلی و راهبردی، با تکیه بر سی محور کلیدی و اصلی، به بررسی ابعاد مختلف تقابل تمدنی، راهبردی و وجودی ایران در جنگ سخت با رژیم صهیونیستی و هم‌پیمانان آن، می‌پردازد. از الهیات و متافیزیک جنگ تا تحلیل تاب‌آوری تمدنی ملت ایران، نقد غرب و ابعاد عملیات‌هایی چون وعده صادق۳، این متن تلاش دارد چارچوبی جامع برای فهم نبردهای کنونی و روزهای آینده نبرد ایران و اسرائیل ارائه دهد. همچنین، با تأکید بر نقش مردم، رسانه، و مقاومت، راهکارهایی برای مواجهه با جنگ‌های روانی، اطلاعاتی و اجتماعی دشمن پیشنهاد می‌کند. هدف این مجموعه، تبیین جایگاه ایران در نظم نوین جهانی و ترسیم مسیری برای پیروزی در این جنگ وجودی است.

## ۱. ریزبدنهٔ اجتماعی به‌مثابه راویان فتح و زبان جنگ وجودی در برابر ریزپرنده‌های جریان نفوذ

۱.ریزپرنده های جریان نفوذ در حال ایجاد رعب در محیط اجتماعی تهران و کلانشهرها هستند و لازم است در این جنگ نامتقارن، ظرفیتهای جدیدی توسط جریان فکری-فرهنگی-اجتماعی انقلاب اسلامی فعال شود. در پاسخ به این پرسش که از ما نیروهای غیرنظامی، چه کاری ساخته است، باید به این مسأله اشاره کرد که در بخشی از مردم، مقداری حس خوف و هراس ایجاد شده است و با وجود موج فراگیر و بی سابقه حمایت قاطع مردم از نیروهای نظامی کشورمان، لایه‌هایی از جامعه، قدری دچار تزلزل شده‌اند. باید این حالت را شناخت و ترمیم کرد و یا جبران کرد. راهکار اولیه نیز حضور فعال همه مردم در آرامش بخشی به هم و موضع‌گیری در فضای واقعی و مجازی است. بگویید و بنویسید. سکوت نکنید. باید موفقیت‌های نظامی گفته بشود؛ البته با روش‌های رسانه‌ای و هنری و با حس و حال شخصی. در واقع، باید فتوحات را روایت کنیم و هر یک، رسانه بشویم. رسانه‌های رسمی و حرفه‌ای، فقط بخشی از داستان جنگ هستند. در کنار این لایه، خود مردم و روایت‌شان، حوزهٔ رسانه‌های غیررسمی و اجتماعی را صورت‌بندی می‌کنند که البته بسیار مؤثر و تعیین‌کننده‌اند.ریزبدنه های اجتماعی و میکروفیزیک قدرت باید در برابر عملیات ایجاد رعب ریزپرنده های نفوذیها فعال شوند.

۲. رسانه‌ها در جنگ، نقش مکمل و (گاهی اصلی) را بر عهده دارند و به جامعه، روحیه می‌بخشند. جنگ، منهای مردم و منهای حمایت و انگیزه و اراده و خواست آنها معنا ندارد. پس این امر را باید هرچه بیشتر، ایجاد و تشدید کرد. باید در دل‌شان، امید به آیندهٔ جنگ آفرید. رسانه‌های دشمن، آنها را وادار به فرار و هراس و ناامیدی می‌کنند، و ما در مقابل، باید به آنها اطمینان بدهیم که هستیم و می‌مانیم و پیروزیم. خودمان باور کنیم و به دیگران هم بباورانیم. جنگ، زدوخورد دارد و یک‌طرفه نیست.شرایط جنگی، شرایط طبیعی نیست، نباید ترسید و نباید ترساند ولی طبیعت جنگ است که ما نیز آسیب می‌بینیم، اما باید برآیندها را دید و بر اساس آنها قضاوت کرد. جزئیات، مهم نیستند. در کلیات فاتح این نبرد هستیم،بی شک.

۳. بسیاری از مردم، متأثر از رسانه و روایت هستند و به قضاوت‌ها و تحلیل‌ها می‌نگرند و نه واقعیت‌ها. واقعیت‌ها برای آنها به‌طور مستقل، معنادار نیستند. پس باید ما، مرحلهٔ معنادار ساختن واقعیت‌های جنگ را بر عهده بگیریم. معنای این جنگ، نزاع حق و باطل است؛ استقلال و شرافت و حیثیت ملی است؛ دفاع از حقوق قطعی ملی است؛مساله انسانیت است؛مساله بشریت است؛ ایستادن در برابر ظلم و زورگویی و زیاده‌خواهی است؛مساله مردانگی و جوانمردی و فتوت و مروت و اخوت است و ... . باید این حقایق و واقعیات را به مردم گفت.

۴. مردم باید به مردم بگویند؛ یعنی افزون بر رسانه‌های رسمی، باید در متن جامعه، خط تولید روایت‌های همدلانه شکل بگیرد و همگان توجیه و همراه و متقاعد بشوند. باید جامعه را به‌صورت حداکثری، در یک جهت به حرکت درآورد. مفهوم ارادهٔ واحد باید شکل عینی به خود بگیرد. و این امر با گفتن و موضع‌گیری و حمایت و تبیین و روشنگری، میسر است. این بخش مهمی از جنگ است؛ جزو معماری ذاتی جنگ، همین روایت‌ها و روایت‌گری‌ها نیز هست. جناب عمار در جنگ صفین، این‌چنین عمل کرد؛ گفت و تبیین کرد و شکوک و شبهات و تردیدها را از ذهن و دل خودی‌ها زدود. امروز چنین نقش و رسالتی، صدها برابر اهمیت بیشتر یافته است.نخبگان نقش تاریخی دارند.

۵. همهٔ ما می‌توانیم بگوییم و بنویسیم؛ در جهان واقعی، مصاحبان و معاشران و اطرافیانی داریم و در جهان مجازی نیز در شبکه‌های اجتماعی، با انبوه مخاطبان مواجه هستیم. پس بهانه‌ای برای سکوت و خاموشی در دست نداریم. باید دریابیم که قدرت از همین ریزبدنه‌های اجتماعی شکل می‌گیرد و هرچه موج همدلی و حمایت و موافقت در عمق جامعه، بیشتر پدید بیاید، ما در موقعیت جنگ، وضع بسیار بهتری خواهیم داشت.

۶. این‌گونه نیست که روایت‌گری در این مجال اندک و حساس، توان حرفه‌ای بطلبد، بلکه فقط باید گفت و طبیعی نیز باید گفت. باید حرف دل را زد و بی‌پرده و شفاف، حقیقت را بیان کرد. همین حال و وضع طبیعی و دستکاری‌نشده و غیرحرفه‌ای است که اثر می‌گذارد و دیگران را متقاعد می‌سازد. این جنبهٔ مردمی و طبیعیِ روایت است. پس نباید خود را دستکاری کرد و ادا درآورد، بلکه باید خودمان باشیم. باید آنچه که در درون‌مان می‌گذرد را آشکار کنیم؛ خالص و صمیمی. ساختن روایت‌هایی صمیمی و صادقانه، خودش هنر است. چه‌بسا حرفه‌ای‌اندیشی، سد و مانع بشود و این خلوص و طراوت را بستاند.

۷. همگرایی اجتماعی، حالت تصاعدی دارد؛ هر کسی احساس کند که دیگران، جنگ را پذیرفته‌اند و اعتماد و اطمینان دارند و خوشبین هستند، خواه‌ناخواه، نظرش را به آنها نزدیک می‌کند و در نهایت، یک گفتمان اجتماعی شکل می‌گیرد. باید جریان عمومی جامعه را به این سو هدایت کرد؛ یعنی باید در پی ایجاد اجماع اجتماعی و هم‌افقی مردمی بود. باید ثابت کرد و نشان داد که آنچه می‌گذرد، مطابق خواست جمعی است. این امر از طریق حرکت پلکانی در عمق خود جامعه می‌گذرد؛ یعنی هر قطعه از پذیرش اجتماعی، قطعات دیگری از پذیرش را تولید می‌کند و به این ترتیب در عمق جامعه، گفتمان هم‌سو و هم‌داستان شکل می‌گیرد. جامعه می‌تواند جامعه را بازتولید کند و نگرش و جریان معنایی و روند هویتی بیافریند. جامعه، امر منفعل و خاموش نیست، بلکه قدرت

بازسازی و بازآفرینی دارد و اگر بجوشد و بخواهد و اراده کند، به یک قدرت روایتی بسیار تعیین‌کننده تبدیل خواهد شد. تجربهٔ وجه مردمیِ دفاع مقدس در دههٔ شصت، قلهٔ چنین رویکردی است.اگر مردم همراهی و همدلی بی سابقه اکنونی را ادامه دهند بی شک فاتح جنگ هستیم و گشایشهای بزرگ در راه است.

## ۲. تحلیل راهبردی نبرد ایران و رژیم صهیونیستی

۱. تحول ابتکار عمل نظامی:

– غافلگیری اولیه صهیونیست‌ها: استفاده رژیم از نفوذ اطلاعاتی و غافلگیری در مراحل اولیه، موقتی بوده و این مزیت به سرعت در حال زوال است.

– تغییر توازن قوا: ایران با حفظ کامل زیرساخت‌های موشکی و اجرای حملات مؤثر (مخصوصاً در حیفا و تل‌آویو)، ابتکار عمل را به دست گرفته است. فرماندهی جدید و بسیار توانمند نیروی هوافضای ایران نقشی محوری در این تحول دارد.

۲. ضعف‌های راهبردی رژیم صهیونیستی:

– محدودیت توان آتشی: وابستگی به پهپادها و هواپیماها، توانایی رژیم را برای «تولید آتش حجیم» محدود کرده، درحالی که موشک‌های ایران قادر به ایجاد حجم بالای آتش هستند.

– واکنش نمایشی و حفظ آبرو: حملات رژیم به اهداف غیرحیاتی (مانند مخازن سوخت در کوه‌های تهران یا استودیوهای صداوسیما) نشان‌دهنده وضعیت تدافعی و تلاش برای جبران شکست‌های میدانی است.

– شکست در جلب حمایت آمریکا: ناتوانی تل‌آویو در متقاعد کردن واشنگتن برای ورود مستقیم به نبرد، ضعف دیپلماتیک و استراتژیک رژیم را آشکار کرده است.

۳. نقاط قوت ایران:

– حمله به عمق سرزمین‌های اشغالی: هدف‌گیری حیفا و تل‌آویو محاسبات امنیتی رژیم را مختل کرده و خط‌قرمزهای پیشین را بی‌اثر ساخته است.

– فریب اطلاعاتی موفق: عملیات شب‌های گذشته ایران با استفاده از فریب سایبری و اطلاعاتی، اثربخشی بالایی داشت و زیرساخت‌های حیاتی رژیم را آسیب‌پذیر کرده است.

– افول حملات ریزپراکنه‌ها: تخریب شبکه‌های نفوذ داخلی رژیم، حجم حملات پهپادی در تهران را به شدت کاهش داده است.

۴. تحرکات آمریکا و پیامدهای آن:

– افزایش احتمال ورود آمریکا: نشانه‌های آمادگی نظامی آمریکا مشاهده می‌شود، اما این اقدام:

– نشانه‌ای از «ضعف رژیم صهیونیستی» تفسیر می‌شود.

– به باور تحلیلگران، تأثیر تعیین‌کننده‌ای در میدان نبرد نخواهد داشت.

– واکنش ایران: حمله پیش‌ازموعد ایران به منظور اثبات اراده و سلب فرصت از دشمن، حاکی از آمادگی برای سناریوهای گسترده‌تر است.

۵. سناریوهای پیش‌رو:

– تلاش رژیم برای تغییر روایت: تمرکز امروز رژیم بر هدف‌گیری نمادین مناطق مسکونی/حاکمیتی تهران، تلاشی برای ایجاد رعب و جبران شکست‌هاست، اما اثر راهبردی محدودی دارد.

– بن‌بست راهبردی رژیم: رژیم خود را «دارنده دست پایین» می‌داند و می‌کوشد با بالا بردن سطح درگیری، موقعیت مذاکره بهتری ایجاد کند، اما ایران اجازه چنین تحولی را نخواهد داد.

– تثبیت برتری ایران: حفظ زیرساخت‌ها، موفقیت در فریب عملیاتی، و حملات کاری به عمق سرزمین‌های اشغالی، موازنه قدرت را به نفع ایران تغییر داده است.

جمع‌بندی نهایی:

رژیم صهیونیستی در محاصره تناقضات استراتژیک قرار دارد: از یک سو فاقد توانایی برای وارد کردن ضربه‌های قاطع است، از سوی دیگر در جلب حمایت مستقیم متحد کلیدی خود (آمریکا) ناکام مانده. در مقابل، ایران با ترکیب «عملیات روانی مؤثر»، «حفظ برتری موشکی» و «ضربات غافلگیرکننده به اهداف حیاتی»، روند درگیری را به نفع خود مدیریت می‌کند. هرگونه تشدید محدود (مانند ورود آمریکا) به نظر نمی‌رسد قادر به تغییر بنیادین معادلات میدانی باشد.

## ۳. رهیافت‌ها و راهبردهای قرآنی در شرایط جنگی و آنچه رهبر حکیم انقلاب در ساعات ابتدایی جنگ فرمودند مبتنی بر آیات قرآن بود و تفسیر آیات متعدد قرآن:

**الف) جنگ تا پایان فتنه**

وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

و با آنان بجنگید تا هیچ نوع فساد و فتنه [و خونریزی و ناامنی] بر جا نماند، و دین [در سراسر گیتی] ویژه خدا شود؛ پس اگر از فتنه بازایستند [با آنان نجنگید] زیرا خدا به آنچه انجام می دهند، بیناست.

پس این جنگ باید به نقطه پایان فتنه برسد. این پایان، محو موجودیت رژیم اسرائیل است از صحنه روزگار. باید مردم نماهای مسلح به طویله های خود بازگردند و زمین را به دست صاحبان واقعی آن دهند.

تنزل از این هدف نباید در سخنان مدیران کشور وجود داشته باشد.

**ب) از آغاز جنگ، دو پرسش کلیدی ذهن بسیاری را به خود مشغول کرده است:**

۱. چگونه باید جنگید و چه اهدافی را باید نشانه گرفت؟

۲. تا چه زمانی باید به جنگ ادامه داد؟ آیا توقف جنگ از سوی دشمن، به معنای پایان مبارزه ماست؟

قرآن کریم در آیه‌ای راهبردی با ظرافت‌های ادبی و معنایی عمیق، به این دو پرسش پاسخ می‌دهد:

«فَإِذَا لَقِيتُمُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فَضَرۡبَ ٱلرِّقَابِ حَتَّىٰٓ إِذَآ أَثۡخَنتُمُوهُمۡ» (سوره محمد، آیه ۴)

**پاسخ به پرسش اول: چگونه بجنگیم؟**

عبارت «فَضَرْبَ ٱلرِّقَابِ» به معنای «زدن گردن» کنایه‌ای از هدف قرار دادن شریان‌های حیاتی دشمن است. این تعبیر بر لزوم تمرکز بر مراکز حساس و کلیدی دشمن تأکید دارد؛ نقاطی که ضربه به آنها دشمن را از پای درمی‌آورد. این مراکز می‌توانند شامل پایگاه‌های نظامی، زیرساخت‌های اقتصادی، مراکز اطلاعاتی یا هر آنچه حیات دشمن به آن وابسته است، باشند. با این حال، مهم‌ترین شریان حیاتی رژیم صهیونیستی، حمایت‌های لجستیکی و اطلاعاتی آمریکا و پایگاه‌های نظامی آن در منطقه است که بدون آنها، تداوم چنین جنگی برای اسرائیل ممکن نبود.

## پاسخ به پرسش دوم: تا چه زمانی بجنگیم؟

عبارت «حَتَّى إِذَا أَثْخَنتُمُوهُمْ» پاسخ روشنی به این پرسش می‌دهد. واژه «أَثْخَنتُمُوهُم» از ریشه «ثَخَن» به معنای «غلبه کامل» و «تسلط قاطع» است (تفسیر نمونه، ج۲۱، ص۳۹۸). این یعنی مبارزه باید تا دستیابی به پیروزی کامل و ریشه‌کن کردن تهدید دشمن ادامه یابد، نه صرفاً تا زمانی که دشمن از حمله دست بکشد. توقف جنگ نباید به دشمن فرصت تجدید قوا و بازگشت به میدان را بدهد.

اکنون که رژیم صهیونیستی با آغاز جنگ و از زمان عملیات طوفان الاقصی، بسیاری از فرماندهان برجسته ما را به شهادت رسانده، هدف نهایی باید حل ریشه‌ای این مسئله و تضمین نابودی کامل تهدید باشد.

**ج) پیروزی  با چه کسی است؟**

با اسلام ناب

«هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا إِلَّا إِحْدَى الْحُسْنَيَيْنِ؟» [توبه ۵۲]

یعنی: آیا جز یکی از دو نیکی را برای ما انتظار می‌کشید؟

«وَمَن يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا» \[نساء ۷۴]

هر کس در راه خدا بجنگد، چه کشته شود، چه پیروز گردد، پاداشی بزرگ خواهد یافت.

**د) چگونه بر دشمن پیروز شویم؟**

بایاری دادن به دین خدا

الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِن دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَن يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لَّهُدِّمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ

همان کسانی که بناحق از خانه هایشان بیرون رانده شدند [آنها گناهی نداشتند] جز اینکه می گفتند پروردگار ما خداست و اگر خدا بعضی از مردم را با بعض دیگر دفع نمیکرد صومعه ها و کلیساها و کنیسه ها و مساجدی که نام خدا در آنها بسیار برده می شود سخت ویران می شد و قطعا خدا به کسی که [دین] او را یاری می کند یاری می دهد چرا که خدا سخت نیرومند شکست ناپذیر است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ

ای کسانی که ایمان آورده اید اگر خدا را یاری کنید یاریتان می کند و گامهایتان را استوار می دارد.

**ه ) برای امیدبخشی وتقویت روحیه ، چه سوره وچه آیه ای تلاوت وتدبر شود؟**

سوره مبارکه فتح را رهبر انقلاب توصیه فرومده‌اند:

لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلُنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُءُوسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا فَجَعَلَ مِنْ دُونِ ذَلِكَ فَتْحًا قَرِيبًا

حقا خدا رؤیای پیامبر خود را تحقق بخشید [که دیده بود] شما بدون شک به خواست خدا در حالی که سر تراشیده و موی [و ناخن] کوتاه کرده اید با خاطری آسوده در مسجد الحرام درخواهید آمد خدا آنچه را که نمی دانستید دانست و غیر از این پیروزی نزدیکی [برای شما] قرار داد.

**و) بشارت‌های قرآنی:**

فَلَمَّا آسَفُونَا انْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿زخرف۵۵﴾

و چون ما را به خشم درآوردند از آنان انتقام گرفتیم و همه آنان را غرق کردیم.

اللّهُمّ انصر الاسلام و المسلمین، وانصر جیوش المسلمین و اخذل الکفّار والمعاندین و المنافقین

**ز) وظیفه مومنان هنگام شروع جنگ:**

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً *فَاثْبُتُوا* وَ *اذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيراً* لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

ای اهل ایمان! هنگامی که [در میدان نبرد] با گروهی [از مشرکان و کافران] برخورد کردید، ایستادگی نمایید و خدا را بسیار یاد کنید تا رستگار شوید

وَ *أَطِيعُوا* اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ *لَا تَنَازَعُوا* فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَ *اصْبِرُوا* إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ

و از خدا و پیامبرش فرمان برید، و با یکدیگر نزاع و اختلاف مکنید، که سست و بد دل می شوید، و قدرت و شوکتتان از میان می رود؛ و شکیبایی ورزید؛ زیرا خدا با شکیبایان است.

**ح) وظیفه ما چیست؟**

۱. ثبات و ایستادگی

۲. ارتباط بسیار با خدا

۳. اطاعت از دستور

۴. عدم نزاع با یکدیگر

۵. استقامت

فراموش نکنیم: حتی کلمات روزمره در فضای مجازی، می‌توانند بخشی از نقشه عملیاتی دشمن باشد.

**ط) قاعده الهی این است که به مو می‌رساند ولی پاره نمی‌شود**

تمام انبیا در دنیا به گرفتاری‌ها و سختی‌ها مبتلا بودند. بعد از انبیا، اولیای خدا هر کس مقامش بالاتر بود سختی‌هایش بیشتر بود! چرا؟!

خدا مگر با آنها دشمنی داشت؟!

نه، اینها تمرین است، اینها فراهم کردن زمینه رشد است. آدم تا با سختی‌ها دست و پنجه نرم نکند پهلوان نمی‌شود.

" أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ؛یعنی آیا پنداشتید که شما وارد بهشت خواهید شد بدون اینکه آن مشکلاتی که برای پیشینیان پیش آمد برای شما پیش آید؟"!

" وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ؛

داستان پیشینیان برای شما پیش نیاید و شما به مقامات عالی برسید! درصورتی که پیشینیان این گونه نبودند.

" مَسَّتْهُمُ الْبَأْسَاءُ وَالضَّرَّاءُ وَزُلْزِلُوا؛

آنقدر سختی‌ها و گرفتاری‌ها برایشان پیش آمد، بالاتر از این سختی‌ها و رنج‌ها، تزلزل پیدا کردند!

آنقدر مشکلات برایشان پیش آمد که گفتند نکند ما فریب خوردیم؟!

نکند پیروزی در کار نباشد؟!

"وَزُلْزِلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ؛

در کشاکش این گرفتاری‌ها کار به جایی می‌رسد که خود پیغمبر و مؤمنین (قبل از شما) هم صدایشان درمی‌آید که مَتَى نَصْرُ اللَّهِ؟! پس خدا کی کمک خواهد کرد؟!

کار به اینجا که می‌رسد. آن وقت خدا جواب می دهد أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ؛

حالا که این سختی‌ها را تحمل کردید، میوه شیرینی را خواهید چید.

نصرت خدا نزدیک است؛ نگران نباشید.

### ۴. نقد تمدنی و معرفتی غرب در مواجهه با گشورهای مستقل

مواجهه تمدنی میان جمهوری اسلامی ایران و غرب، به‌ویژه در تقابل با رژیم صهیونیستی به‌عنوان تجلی عینی خوی سلطه‌طلبانه غرب، از پیچیدگی‌ها و ابعاد چندلایه‌ای برخوردار است که نیازمند تحلیلی عمیق مبتنی بر واقعیات تاریخی و فلسفی است. این مواجهه، علاوه بر میدان‌های نظامی و سیاسی در حوزه‌های فکری و تمدنی نیز نمود یافته و پرسش‌های بنیادینی را درباره ماهیت غرب، ارزش‌های ادعایی آن و جایگاه ایران در نظام جهانی مطرح کرده است. بررسی نقادانه بنیان‌های فلسفی و سیاسی غرب، **ناکارآمدی گفتمان‌های اومانیستی و پلورالیستی**، ذات سلطه‌طلبانه رژیم صهیونیستی به‌عنوان بازتاب این فلسفه، ضرورت هوشیاری در برابر گفتگوهای دیپلماتیک با غرب و جایگاه تمدنی ایران در برابر نظام جهانی مهمترین مباحثی هستند که باید به آنها توجه و بر پیچیدگی‌های این منازعه و لزوم اجتناب از رویکردهای ساده‌انگارانه تأکید کرد.

یکی از مسائل بنیادین در تحلیل تقابل تمدنی ایران و غرب، ریشه‌های غیرتاریخی و غیرواقع‌بینانه گفتمان‌های علوم انسانی در برخی محافل دانشگاهی ایران است که اغلب از تجربه‌های زیسته و واقعیات تاریخی این سرزمین فاصله گرفته‌اند. این گفتمان‌ها، که تحت تأثیر الگوهای غربی شکل گرفته‌اند، نتوانسته‌اند به‌درستی ماهیت تاریخی و فلسفی غرب را مورد نقد قرار دهند. تاریخ غرب، در سیر تکوینی خود، مملو از مصادیق آدم‌کشی، استعمار و غارت منابع ملت‌های دیگر است. از جنگ‌های صلیبی تا استعمار قاره‌های آفریقا و آسیا و از نسل‌کشی بومیان

آمریکا تا بهره‌کشی از منابع طبیعی جهان جنوب، تاریخ غرب گواهی بر خوی سلطه‌طلبانه‌ای است که در ذات فلسفه سیاسی و اخلاقی آن ریشه دارد. نهادهای بین‌المللی، که ظاهراً برای مهار این وحشی‌گری تأسیس شده‌اند، در عمل به ابزاری برای تداوم هژمونی غرب تبدیل شده‌اند و ناکارآمدی آن‌ها در جلوگیری از فجایعی نظیر کشتار بیش از پنجاه هزار انسان در غزه، این حقیقت را به‌روشنی آشکار می‌سازد. اومانیسم غربی، که ادعای دفاع از ارزش‌های انسانی را دارد، در برابر این جنایات سکوت اختیار کرده و پلورالیسمی که غرب مدعی آن است، در لحظه‌های حساس، به‌ویژه در میانه مذاکرات دیپلماتیک، با حملات نظامی و نقض تعهدات اخلاقی و سیاسی همراه می‌شود. این تناقض، نه‌تنها ناکارآمدی گفتمان‌های اومانیستی غرب را نشان می‌دهد، بلکه ریشه‌های عمیق‌تر این دوگانگی را در فلسفه اخلاقی و سیاسی غرب نمایان می‌سازد.

در این میان، باید به این واقعیت توجه داشت که **آدم‌کشی و درندگی**، صرفاً عرضیات یا ویژگی‌های حاشیه‌ای، غرب نیستند بلکه **جوهره و ذاتیات فلسفه** و عمل سیاسی غرب را تشکیل می‌دهند. وضعیت سیاسی کنونی غرب، امتدادی از بنیان‌های فلسفی آن است که در آن، منفعت‌محوری و سلطه‌طلبی به‌عنوان اصول بنیادین عمل می‌کنند. رژیم صهیونیستی، به‌عنوان تجلی متبلور این خوی وحشیانه، محصول مستقیم استعمار غربی و بازتابی از همان فلسفه‌ای است که در آن، اخلاق به منفعت و قدرت گره خورده است. رژیم صهیونیستی، که با حمایت بی‌چون‌وچرای قدرت‌های غربی، به‌ویژه ایالات متحده و بریتانیا، تأسیس شد، در حقیقت زاده‌ی خوی سلطه‌طلبانه‌ای است که در طول تاریخ غرب، از استعمار کلاسیک تا هژمونی مدرن، جریان داشته است. این رژیم، با تکیه بر منطق خشونت و اشغال، به‌عنوان ابزاری برای پیشبرد منافع غرب در منطقه خاورمیانه عمل کرده و در عین حال، پرده از ماهیت واقعی ارزش‌های ادعایی غرب برداشته است. کشتارهای گسترده در فلسطین، تخریب زیرساخت‌های غیرنظامی و نقض مکرر حقوق بشر، همگی نشان‌دهنده پیوند عمیق میان فلسفه سیاسی غرب و اقدامات رژیم صهیونیستی هستند. این رژیم، به‌عنوان آیینه‌ای از باطن غرب، نشان می‌دهد که ادعاهای اومانیستی و پلورالیستی، در عمل، تنها پوششی برای توجیه سلطه و بهره‌کشی هستند.

در این چارچوب، هرگونه گفت‌وگو با غرب باید با هوشیاری کامل و بدون هرگونه خوش‌بینی ساده‌لوحانه انجام شود. فیلسوفانی نظیر برتراند راسل، که به صراحت از منفعت‌محوری فلسفه اخلاقی غرب سخن گفته‌اند، این حقیقت را آشکار کرده‌اند که در منطق غربی، اخلاق نه بر پایه اصول جهان‌شمول، بلکه بر اساس منفعت و قدرت تعریف می‌شود. راسل در یکی از تحلیل‌های خود به این پرسش می‌پردازد که آیا دزدیدن مرغ همسایه مجاز است؟ پاسخ او، که به‌صراحت بیان می‌کند «بله، اگر او نتواند گاو مرا بدزدد»، نشان‌دهنده منطق فرصت‌طلبانه و منفعت‌محور غرب است. این دیدگاه، که در آن اخلاق به توانایی غلبه بر دیگری وابسته است، در عمل سیاسی غرب نیز بازتاب یافته و در رفتار رژیم صهیونیستی، به‌ویژه در حملات غیرمنتظره در میانه مذاکرات دیپلماتیک، به‌وضوح دیده می‌شود. از این‌رو، هرگونه تعامل با غرب، به‌ویژه در مذاکرات سیاسی و دیپلماتیک، باید با آگاهی کامل از این ماهیت و با چشمانی باز انجام شود. تجربه تاریخی ایران، به‌ویژه در مذاکرات هسته‌ای، نشان داده

است که اعتماد بی‌چون‌وچرا به وعده‌های غرب، نه‌تنها به حل مسائل منجر نمی‌شود، بلکه می‌تواند به تشدید فشارها و اقدامات خصمانه بیانجامد.

### ۵. اصرار ایرانیان بر استقلال و هویت مستقل ریشه همه مناقشات و جنگ‌ها

در برابر این وضعیت، پرسش بنیادین این است که ایران چه می‌خواهد و چه جایگاهی را در نظام جهانی دنبال می‌کند؟ پاسخ این پرسش در نفی دیکته نظام جهانی و تأکید بر قدرت و جرات تمدنی ایران نهفته است. ایران، به‌عنوان یک تمدن کهن با پشتوانه تاریخی و فرهنگی غنی، نه‌تنها از قدرت تمدنی برخوردار است، بلکه جرات ایستادگی در برابر نظام سلطه جهانی را نیز داراست. این جرات، که ریشه در خودآگاهی تمدنی و استقلال سیاسی دارد، باید از مرحله قدرت به اقتدار تبدیل شود. اقتدار، به‌معنای توانایی تأثیرگذاری پایدار بر معادلات جهانی، نیازمند تلفیقی از توان نظامی، اقتصادی، فرهنگی و دیپلماتیک است. ایران، با تکیه بر توان موشکی پیشرفته، زیرساخت‌های دفاعی مستحکم و گفتمان مقاومت‌محور، توانسته است جایگاه خود را به‌عنوان یک بازیگر غیرقابل‌چشم‌پوشی در منطقه و جهان تثبیت کند. این جایگاه، که با عملیات‌هایی نظیر «وعده صادق» به نمایش گذاشته شده، نشان‌دهنده عزم ایران برای بازتعریف نظم جهانی بر مبنای عدالت و استقلال است. در این چارچوب، ایران نه‌تنها دیکته نظام جهانی را که مبتنی بر سلطه و نابرابری است رد می‌کند، بلکه با ارائه الگویی بدیل، به‌دنبال ایجاد نظمی عادلانه‌تر و متعادل‌تر است.

با این حال، باید اذعان داشت که مسائل میان ایران و غرب از پیچیدگی‌های عمیقی برخوردار است و راه‌حل‌های ساده‌انگارانه نمی‌توانند پاسخگوی این چالش‌ها باشند. تقابل تمدنی ایران و غرب، که در رژیم صهیونیستی به‌صورت عینی متبلور شده، در حوزه نظامی و در ساحت‌های فلسفی، فرهنگی و سیاسی جریان دارد. این پیچیدگی، نیازمند رویکردی چندوجهی و به‌دور از ساده‌سازی‌های فانتزی، دن‌کیشوتی یا مینیاتوری است. برخورد کاریکاتوری با واقعیت، که در برخی گفتمان‌های داخلی و حتی آکادمیک دیده می‌شود، می‌تواند به تصمیم‌گیری‌های نادرست و تضعیف جایگاه استراتژیک ایران منجر شود. از این‌رو، تحلیل و مواجهه با این منازعه باید با دقت، انسجام و توجه به تمامی ابعاد آن انجام شود. ایران، به‌عنوان یک قدرت تمدنی، باید با تکیه بر عقلانیت استراتژیک و آگاهی تاریخی، در برابر چالش‌های پیچیده نظام جهانی ایستادگی کند و در عین حال، از هرگونه خوش‌بینی غیرواقع‌بینانه یا ساده‌انگاری پرهیز نماید.

در مجموع، تقابل ایران و غرب، به‌ویژه در مواجهه با رژیم صهیونیستی، یک رویارویی تمدنی است که ریشه در تفاوت‌های بنیادین فلسفی، اخلاقی و سیاسی دارد. ناکارآمدی گفتمان‌های اومانیستی و پلورالیستی غرب، ذات سلطه‌طلبانه رژیم صهیونیستی، ضرورت هوشیاری در برابر گفتگوهای دیپلماتیک و جایگاه تمدنی ایران در برابر نظام جهانی، همگی نشان‌دهنده پیچیدگی این منازعه و نیاز به رویکردی جامع و آکادمیک برای تحلیل آن هستند. ایران، با تکیه بر قدرت و جرات تمدنی خود و با ارائه الگویی بدیل، به‌دنبال بازتعریف نظم جهانی بر مبنای عدالت

و استقلال است. این مسیر، اگرچه پرچالش و پیچیده است، اما با عزم و آگاهی استراتژیک، می‌تواند به تحقق اقتدار تمدنی ایران منجر شود.

### ۶. تاب‌آوری تمدنی و دلایل صبر سرشار ملت بزرگ ایران

در میانه طوفان‌های سیاسی و نظامی که جهان معاصر را درنوردیده، ایستادگی و تاب‌آوری ملت ایران به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین جلوه‌های اقتدار تمدنی این سرزمین، شگفتی ناظران جهانی را برانگیخته است. این تاب‌آوری، که ریشه در عمق فرهنگ ایرانی–اسلامی و خودآگاهی تاریخی دارد، نه‌تنها جبهه داخلی ایران را در برابر فشارهای خارجی و بحران‌های داخلی حفظ کرده، بلکه به‌عنوان الگویی از انسجام ملی، جایگاه ایران را در سپهر تمدنی جهان تثبیت کرده است.

**نخستین وجه** این تحلیل، تاب‌آوری اعجاب‌انگیز ملت ایران است که در برابر فشارهای بی‌امان خارجی و چالش‌های داخلی، نه‌تنها فرو نپاشیده، بلکه انسجام و وحدت خود را حفظ کرده است. در شرایطی که هر نظام سیاسی دیگری ممکن بود زیر بار تحریم‌های اقتصادی، تهدیدات نظامی و تبلیغات روانی دشمنان متلاشی شود، ملت ایران با تکیه بر ایمان، همبستگی و آگاهی سیاسی، جبهه داخلی خود را استوار نگه داشته است. آنچه این تاب‌آوری را متمایز می‌کند، واکنش بی‌باکانه و عزتمندانه بخش‌هایی از جامعه است که در برابر تهدیدات خارجی، نه‌تنها ترسی به دل راه نداده‌اند، بلکه با حضور فعال در صحنه‌های اجتماعی و سیاسی، پیام روشنی از مقاومت و خودباوری ارسال کرده‌اند. این پدیده، که می‌توان آن را «شجاعت مدنی» نامید، ریشه در فرهنگ عاشورایی و تاریخ مقاومت ایران دارد که در آن، ایستادگی در برابر ظلم و سلطه یک افتخار تلقی می‌شود. این انسجام ملی، که در لحظات حساس تاریخی، از انقلاب اسلامی تا دفاع مقدس و اکنون در برابر تهدیدات رژیم صهیونیستی و نظام سلطه جهانی، بارها به نمایش گذاشته شده، نشان‌دهنده عمق تمدنی و ظرفیت بی‌نظیر ایران برای مدیریت بحران‌های پیچیده است.

**دومین وجه**، راز تمدنی نهفته در امتزاج علم و قدرت است که به‌عنوان موتور محرک پیشرفت و اقتدار ایران عمل کرده است. در فلسفه تمدنی ایران، علم و قدرت، نه‌تنها دو عنصر مکمل، بلکه دو بال برای پرواز به سوی قله‌های پیشرفت هستند. این تلفیق، که در توسعه فناوری‌های پیشرفته، از جمله برنامه موشکی و هسته‌ای، به‌وضوح دیده می‌شود، نشان‌دهنده درک عمیق ایران از ضرورت پیوند دانش و توانمندی نظامی در جهان معاصر است. علم، به‌عنوان نیروی پیشران نوآوری و قدرت، به‌عنوان سپر دفاعی در برابر تهدیدات، در کنار یکدیگر، اقتداری را خلق کرده‌اند که نه‌تنها ایران را از وابستگی به قدرت‌های خارجی رهایی بخشیده، بلکه آن را به الگویی برای سایر ملت‌ها تبدیل کرده است. این امتزاج، که ریشه در سنت‌های علمی تمدن اسلامی و حکمت عملی ایرانی دارد، به ایران امکان داده است تا در شرایط تحریم و فشار، به دستاوردهایی دست یابد که بسیاری از کشورهای پیشرفته نیز از آن عاجزند. این راز تمدنی، که در آن علم به خدمت اقتدار ملی درمی‌آید عزت معنوی ایران را تضمین کرده است.

**سومین وجه**، نقش برجسته فرماندهانی نظیر شهیدان سردار حاجی‌زاده و سردار سلامی است که با تکیه بر تعهد انقلابی، دانش نظامی و خلاقیت استراتژیک، توانسته‌اند نیروهای مسلح ایران را به یکی از قدرتمندترین ارتش‌های منطقه تبدیل کنند. سردار حاجی‌زاده، با رهبری نیروی هوافضای سپاه و سردار سلامی، به‌عنوان فرمانده کل سپاه پاسداران، نه‌تنها در توسعه فناوری‌های موشکی و دفاعی نقش کلیدی داشته‌اند، بلکه با مدیریت هوشمندانه عملیات‌های نظامی، نظیر «وعده صادق»، اقتدار ایران را در برابر دشمنان به نمایش گذاشته‌اند. این فرماندهان، که از دل بحران‌ها و محدودیت‌ها سربرآورده‌اند، نمادی از روحیه انقلابی و خودباوری هستند که در فرهنگ ایرانی-اسلامی ریشه دارد. توانایی سرداران شهید در تبدیل تهدیدات به فرصت‌ها و بازسازی توان نظامی ایران در شرایط دشوار، یادآور اسطوره ققنوس است که از خاکستر خود دوباره متولد می‌شود. این ویژگی، نه‌تنها به نیروهای مسلح ایران، بلکه به کل نظام سیاسی و اجتماعی کشور، انگیزه و اعتمادبه‌نفس بخشیده است.

### ۷. مدیریت اعجازگونه رهبر حکیم انقلاب در جنگ‌ها و بحران‌ها

نکته مهم دیگر ابعاد مدیریتی شگفت‌انگیز رهبر معظم انقلاب است که به‌عنوان ستون فقرات نظام جمهوری اسلامی، نقش بی‌بدیلی در حفظ ثبات و اقتدار کشور ایفا کرده است. یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های این مدیریت، حفظ ثبات نظام پس از شهادت رئیس‌جمهور فقید، آیت‌الله رئیسی، بود. در شرایطی که فقدان یک مقام عالی‌رتبه می‌توانست خلأ سیاسی و مدیریتی ایجاد کند، تدابیر رهبر معظم انقلاب، از جمله سازوکارهای جایگزینی و انتقال قدرت، مانع از هرگونه اختلال در اداره کشور شد. این تدبیر، که ریشه در حکمت سیاسی و آینده‌نگری دارد، نشان‌دهنده عمق استراتژیک نظام اسلامی در مدیریت بحران‌هاست. علاوه بر این، دیدگاه‌های رهبر معظم انقلاب در خصوص فریبکارانه بودن مذاکرات با غرب، بار دیگر در تحولات اخیر به اثبات رسید. ایشان، با تأکید بر ضرورت حفظ استقلال و عدم اعتماد به وعده‌های دشمنان، مسیر روشنی برای سیاست خارجی ایران ترسیم کردند که از خسارت‌های احتمالی مذاکرات یک‌جانبه جلوگیری کرد. این مدیریت حکیمانه، که تلفیقی از عقلانیت، تجربه تاریخی و بینش دینی است، به ایران امکان داده است تا در برابر فشارهای جهانی به‌عنوان یک بازیگر فعال و تأثیرگذار عمل نماید. حضور مقتدرانه ایشان در گفتگ با مردم در بحران‌ها، صحنه‌های جالبی از پیوندهای امام و امت را به رخ جهانیان کشانده است.

خرد اشراقی و حکمت انسی ایرانیان است که با محوریت عشق به امر ملی، ایران و زبان فارسی، به‌عنوان نیروی محرکه تمدنی عمل کرده است. خرد اشراقی، که ریشه در فلسفه و عرفان ایرانی-اسلامی دارد، به ایرانیان این توانایی را بخشیده است که فراتر از محدودیت‌های مادی، به آرمان‌های متعالی بیندیشند و عمل کنند. این خرد، که در شعر حافظ، سعدی و حماسه‌های شاهنامه متجلی است، عشق به ایران و هویت ملی را به یک نیروی تمدن‌ساز تبدیل کرده است. زبان فارسی، به‌عنوان حامل این حکمت و فرهنگ، مخزن ارزش‌ها و آرمان‌های ایرانی است که در آن، مفاهیمی چون عدالت، آزادی و مقاومت، به زیبایی بیان شده‌اند. عشق به ایران، که در قلب هر ایرانی ریشه دارد، به‌عنوان یک نیروی وحدت‌بخش، ملت را در برابر چالش‌ها متحد کرده و به آن‌ها انگیزه داده است تا

برای حفظ استقلال و عزت کشور، از هیچ تلاشی فروگذار نکنند. این حکمت انسی، که با محوریت عشق به امر ملی شکل گرفته، به ایران امکان داده است تا در برابر امواج جهانی‌سازی و سلطه فرهنگی، هویت خود را حفظ کند و به‌عنوان یک تمدن اصیل و پویا، در جهان معاصر بدرخشد.

در مجموع، تاب‌آوری تمدنی ایران، امتزاج علم و قدرت، نقش فرماندهان انقلابی، مدیریت حکیمانه رهبر معظم انقلاب، و خرد اشراقی ریشه‌دار در فرهنگ ایرانی–اسلامی، همگی نشان‌دهنده ظرفیت بی‌نظیر این سرزمین برای مواجهه با چالش‌های جهانی است. این ویژگی‌ها، که در هم‌افزایی با یکدیگر، ایران را به یک قدرت تمدنی تبدیل کرده‌اند، نه‌تنها الگویی برای جهان اسلام، بلکه پیامی برای تمامی ملت‌های در حال مبارزه با نظام سلطه است.

## ۸. تحلیل مقدماتی تقابل ایران و رژیم صهیونیستی در ۵ روز اخیر

تقابل میان جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی به مثابه یکی از کانون‌های اصلی منازعه در غرب آسیا، همواره مورد توجه تحلیلگران و استراتژیست‌های جهانی بوده است. این تقابل، که ریشه در تفاوت‌های عمیق ایدئولوژیک، ژئوپلیتیک و استراتژیک دارد، نه‌تنها معادلات منطقه‌ای را تحت تأثیر قرار داده، بلکه پیامدهای آن به فراتر از مرزهای خاورمیانه نیز کشیده شده است. در این میان، تحولات اخیر در صحنه منازعه میان این دو بازیگر، با ویژگی‌های خاصی همراه بوده که ضرورت تحلیل عمیق و چندوجهی آن را بیش از پیش نمایان می‌سازد. این یادداشت، با تمرکز بر ابعاد اطلاعاتی، نظامی، نمادین و سیاسی این تقابل، به بررسی آخرین تحولات و پیامدهای آن می‌پردازد و تلاش دارد، تصویری جامع از وضعیت کنونی ارائه دهد.

یکی از جنبه‌های برجسته در استراتژی رژیم صهیونیستی در برابر ایران، بهره‌گیری از **غافلگیری اطلاعاتی** و استفاده از **شبکه‌های نفوذی** بوده است. رژیم صهیونیستی، با تکیه بر دستگاه اطلاعاتی خود، به‌ویژه سازمان موساد، در دهه‌های گذشته تلاش کرده است تا از طریق عملیات مخفی و بهره‌گیری از عوامل نفوذی، اطلاعات حساس و راهبردی از زیرساخت‌های نظامی و سیاسی ایران به دست آورد. این رویکرد، که در مواردی با موفقیت‌هایی همراه بوده، به تل‌آویو امکان داده است تا در برخی مقاطع، اقداماتی نظیر ترور هدفمند، خرابکاری در تأسیسات حساس و یا جمع‌آوری اطلاعات کلیدی را به انجام برساند. با این حال، شواهد اخیر حاکی از آن است که این شبکه‌های نفوذی، که زمانی نقطه قوت رژیم صهیونیستی محسوب می‌شدند، به‌تدریج در حال تضعیف و فروپاشی هستند. دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی ایران، با هوشیاری و اقدامات پیش‌دستانه، توانسته‌اند بخش‌های قابل‌توجهی از این شبکه‌ها را شناسایی و خنثی کنند. این دستاوردها، که در برخی گزارش‌ها به دسترسی ایران به اسناد حساس رژیم صهیونیستی اشاره دارند، نه‌تنها ضربه‌ای به اعتبار اطلاعاتی تل‌آویو وارد کرده، بلکه موازنه قدرت در حوزه اطلاعاتی را به نفع ایران تغییر داده است. این تحول، به‌ویژه در شرایطی که رژیم صهیونیستی خود را در برابر تهدیدات روزافزون منطقه‌ای آسیب‌پذیر می‌بیند، اهمیت دوچندانی یافته است.

در حوزه نظامی، تفاوت‌های بنیادین در راهبردها و قابلیت‌های دو طرف به‌وضوح قابل مشاهده است. رژیم صهیونیستی، با اتکا به برتری نسبی خود در فناوری‌های پیشرفته، به‌ویژه در زمینه پهپادها و هواپیماهای جنگی، تلاش کرده است تا از طریق حملات دقیق و هدفمند، به زیرساخت‌های نظامی ایران آسیب وارد کند. با این حال، این حملات، اگرچه از نظر فنی پیشرفته هستند، از نظر حجم آتش و تأثیرگذاری راهبردی، محدودیت‌های قابل‌توجهی دارند. پهپادها و موشک‌های هواپایه مورد استفاده رژیم صهیونیستی، به دلیل ماهیت سبک و محدودشان، قادر به ایجاد خسارت‌های گسترده و پایدار نیستند. در مقابل، توان موشکی ایران، که در سال‌های اخیر به طور چشمگیری توسعه یافته، از ویژگی تولید آتش پرحجم برخوردار است. موشک‌های بالستیک و کروز ایران، با برد و دقت بالا، توانایی هدف قرار دادن نقاط استراتژیک در عمق خاک دشمن را دارند. این توانمندی، که در عملیات‌هایی نظیر «وعده صادق ۲،۱ ، ۳» به نمایش گذاشته شد، نه‌تنها بازدارندگی ایران را تقویت کرده، بلکه رژیم صهیونیستی را در موقعیتی دفاعی قرار داده است. این تفاوت در ظرفیت‌های نظامی، به‌ویژه در شرایطی که زیرساخت‌های موشکی ایران تاکنون از حملات رژیم صهیونیستی مصون مانده‌اند، نشان‌دهنده برتری راهبردی ایران در این حوزه است.

یکی از نقاط عطف در تحولات اخیر، هدف قرار گرفتن عمق استراتژیک رژیم صهیونیستی، به‌ویژه شهر تل‌آویو، به‌عنوان قلب سیاسی و اقتصادی این رژیم است. حملات موشکی ایران به پایگاه‌های نظامی و زیرساخت‌های حساس در سرزمین‌های اشغالی، پیام روشنی به تل‌آویو ارسال کرده است: هیچ نقطه‌ای از خاک رژیم صهیونیستی از دسترس توان نظامی ایران در امان نیست. این اقدام، که با دقت و برنامه‌ریزی انجام شده، نه‌تنها از نظر نظامی، بلکه از منظر نمادین نیز اهمیت بسزایی دارد. رژیم صهیونیستی، که در سال‌های گذشته تلاش کرده بود تا با انجام حملات محدود و نمایشی، وجهه‌ای از اقتدار و برتری نظامی برای خود ترسیم کند، اکنون در موقعیتی قرار گرفته که ناچار به توسل به اقدامات نمادین برای حفظ آبروی خود است. این حملات نمادین، که اغلب با هدف جبران شکست‌های راهبردی و نمایش قدرت انجام می‌شوند، نه‌تنها نتوانسته‌اند موازنه را به نفع تل‌آویو تغییر دهند، بلکه برعکس، شکنندگی و آسیب‌پذیری رژیم صهیونیستی را بیش از پیش آشکار ساخته‌اند.

در این میان، حفظ سلامت زیرساخت‌های موشکی ایران در برابر حملات رژیم صهیونیستی، یکی از نقاط قوت برجسته جمهوری اسلامی در این تقابل بوده است. برخلاف تلاش‌های تل‌آویو برای هدف قرار دادن تأسیسات نظامی ایران، سامانه‌های پدافندی بومی ایران و استراتژی‌های دفاعی چندلایه کشور، توانسته‌اند حملات دشمن را خنثی کرده و خسارت‌ها را به حداقل برسانند. اطلاعیه‌های رسمی نیروهای مسلح ایران نشان می‌دهند که حملات رژیم صهیونیستی، که اغلب از طریق موشک‌های هواپایه سبک و از فاصله دور انجام شده‌اند، تنها آسیب‌های محدودی به برخی رادارهای مرزی وارد کرده‌اند که به سرعت ترمیم شده‌اند. این امر، نه‌تنها نشان‌دهنده استحکام زیرساخت‌های دفاعی ایران است، بلکه بیانگر عمق استراتژیک و انعطاف‌پذیری کشور در برابر تهدیدات خارجی است.

از منظر سیاسی، تحولات اخیر بار دیگر درستی دیدگاه‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی در خصوص ماهیت فریبکارانه مذاکرات با قدرت‌های غربی را به اثبات رسانده است. ایشان بارها تأکید کرده‌اند که اعتماد به مذاکرات، بدون پشتوانه نظامی و سیاسی قوی، نمی‌تواند منافع ملی ایران را تضمین کند. حملات اخیر رژیم صهیونیستی به ایران، که در بحبوحه مذاکرات هسته‌ای با ایالات متحده انجام شد، نشان داد که دشمنان ایران، حتی در میانه گفتگوهای دیپلماتیک، از اقدامات خصمانه دست نمی‌کشند. این واقعیت، که با شواهد عینی و تجارب تاریخی تأیید شده، هرگونه ساده‌اندیشی در خصوص امکان حل تمامی مشکلات از طریق گفتگو را زیر سؤال برده است. برخی جریان‌های داخلی، که با خوش‌بینی بیش از حد به مذاکرات با دولت جدید ایالات متحده، به‌ویژه در دوره دونالد ترامپ، امیدوار بودند، اکنون با واقعیتی تلخ مواجه شده‌اند: مذاکره به تنهایی نمی‌تواند سپر دفاعی در برابر تجاوزات دشمن باشد. این تجربه، بار دیگر بر ضرورت حفظ اقتدار نظامی و استقلال سیاسی ایران تأکید کرده و نشان داده است که هرگونه انعطاف یک‌جانبه در برابر دشمنان، نه‌تنها به حل مشکلات منجر نمی‌شود، بلکه می‌تواند به تشدید فشارها و اقدامات خصمانه منجر گردد.

این تحولات، همچنین، پیام روشنی برای افکار عمومی ایران و منطقه داشته است. برخلاف تصورات خام‌اندیشانه‌ای که گمان می‌کردند انعقاد توافق با قدرت‌های غربی، به‌ویژه در دوره‌ای که دونالد ترامپ بار دیگر به قدرت رسیده، می‌تواند تمامی مشکلات را حل کند، واقعیت‌های میدانی نشان داد که چنین دیدگاهی نه‌تنها ساده‌لوحانه، بلکه خطرناک است. حملات رژیم صهیونیستی در میانه مذاکرات، نشان‌دهنده آن است که دشمنان ایران، حتی در شرایطی که گفتگوهای دیپلماتیک در جریان است، از هر فرصتی برای ضربه زدن به منافع ملی ایران استفاده خواهند کرد. این تجربه، ضرورت هوشیاری و حفظ استقلال استراتژیک ایران را بیش از پیش برجسته ساخته و نشان داده است که اقتدار نظامی و خودکفایی، تنها راه تضمین امنیت و منافع ملی در برابر تهدیدات خارجی است.

در مجموع، تقابل کنونی میان ایران و رژیم صهیونیستی، با ویژگی‌های منحصربه‌فرد خود، از جمله **تضعیف شبکه‌های نفوذی تل‌آویو**، برتری **توان موشکی ایران**، هدف قرار **گرفتن عمق استراتژیک رژیم صهیونیستی**، **سلامت زیرساخت‌های دفاعی ایران**، و اثبات **درستی دیدگاه‌های رهبر معظم انقلاب** در خصوص فریبکارانه بودن مذاکرات، نشان‌دهنده تغییر موازنه قدرت به نفع ایران است. این تحولات، نه‌تنها جایگاه ایران را به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای مستحکم‌تر کرده، بلکه رژیم صهیونیستی را در موقعیتی شکننده و دفاعی قرار داده است.

### ۹. تشخص تمدنی جهان اسلام در پرتو حرکت موشکی و استقلال ایران

در چشم‌انداز تمدنی و تاریخی جهان اسلام، حرکت موشکی ایران و تأکید این کشور بر استقلال راهبردی به‌مثابه دستاورد نظامی و نمادی از تشخص تاریخی، هویتی و تمدنی، مورد توجه و تحسین جوامع اسلامی قرار گرفته است. این پدیده، که ریشه در عمق خودآگاهی تمدنی و مقاومت در برابر سلطه خارجی دارد، فراتر از یک اقدام

صرفاً دفاعی، به‌عنوان جلوه‌ای از احیای هویت اسلامی و بازتعریف جایگاه امت اسلامی در نظام جهانی معنا یافته است.

**نخستین بُعد** این تحلیل، ریشه‌های تاریخی تشخصی است که حرکت موشکی ایران در میان جوامع اسلامی ایجاد کرده است. تاریخ جهان اسلام، از صدر اسلام تا دوران معاصر، مملو از تلاش‌هایی برای حفظ استقلال و عزت در برابر تهاجمات خارجی بوده است. از مقاومت در برابر امپراتوری‌های روم شرقی در قرون اولیه اسلامی تا ایستادگی در برابر استعمار اروپایی در سده‌های اخیر، امت اسلامی همواره به‌دنبال حفظ هویت و استقلال خود بوده است. با این حال، دوران مدرن، با ظهور نظام سلطه جهانی و هژمونی غرب، چالش‌های جدیدی را پیش روی جهان اسلام قرار داده است. در این میان، حرکت موشکی ایران، که نمادی از خودکفایی تکنولوژیک و استقلال استراتژیک است، به‌عنوان نقطه عطفی در این سیر تاریخی ظاهر شده است. این حرکت، که با تکیه بر توان داخلی و بدون وابستگی به قدرت‌های خارجی توسعه یافته، یادآور دوران شکوه تمدن اسلامی است که در آن، پیشرفت‌های علمی و نظامی، از اختراعات علمی در بغداد و اندلس تا ساخت سلاح‌های پیشرفته در امپراتوری عثمانی، نماد اقتدار و خودباوری بود. این پیوند تاریخی، که حرکت موشکی ایران را به گذشته تمدنی اسلام متصل می‌کند، در میان جوامع اسلامی احساسی از تداوم و احیای عزت تاریخی برانگیخته و به آن‌ها یادآوری کرده است که امت اسلامی همچنان قادر به خلق دستاوردهای بزرگ و تعیین سرنوشت خود است.

**دومین بُعد،** هویتی بودن این تشخص است که از حرکت موشکی و استقلال ایران نشأت می‌گیرد. هویت اسلامی، که بر پایه مفاهیمی چون عدالت، مقاومت و استقلال بنا شده، در قرن‌های اخیر تحت فشارهای استعماری و فرهنگی غرب، دچار چالش‌های جدی شده است. سلطه فرهنگی غرب، که از طریق رسانه‌ها، گفتمان‌های لیبرال و نهادهای بین‌المللی ترویج شده، تلاش کرده تا هویت اسلامی را به حاشیه رانده و آن را با الگوهای غربی جایگزین کند. در این میان، حرکت موشکی ایران، به‌عنوان نمادی از خودکفایی و مقاومت در برابر این سلطه، به جوامع اسلامی این امکان را داده است که هویت خود را بازتعریف کنند. این حرکت، که نه‌تنها در برابر تهدیدات نظامی، بلکه در برابر تلاش‌های غرب برای تحمیل وابستگی تکنولوژیک و سیاسی ایستادگی کرده، به‌عنوان جلوه‌ای از خودباوری اسلامی، احساس غرور و هویت جمعی را در میان مسلمانان تقویت کرده است. برای بسیاری از جوامع اسلامی، که سال‌ها تحت فشارهای سیاسی و اقتصادی قدرت‌های غربی قرار داشته‌اند، توانمندی ایران در توسعه فناوری‌های پیشرفته موشکی و حفظ استقلال سیاسی، به‌مثابه الگویی عملی از امکان‌پذیری مقاومت و پیشرفت در چارچوب هویت اسلامی تلقی می‌شود. این الگو، که با تکیه بر ارزش‌های اسلامی و بدون تسلیم در برابر فشارهای خارجی شکل گرفته، به جوامع اسلامی نشان داده است که می‌توان در عین پایبندی به اصول دینی، در عرصه‌های علمی و نظامی به جایگاه‌های برجسته دست یافت.

**سومین بُعد،** تمدنی بودن این تشخص است که از استقلال و حرکت موشکی ایران سرچشمه می‌گیرد. تمدن اسلامی، به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین تمدن‌های تاریخ بشری، همواره بر پایه تلفیق علم، ایمان و عدالت بنا شده

است. حرکت موشکی ایران، که نتیجه سال‌ها تلاش علمی، مهندسی و استراتژیک است، به‌عنوان نشانه‌ای از احیای تمدن اسلامی در عصر مدرن ظاهر شده است. این دستاورد، که با تکیه بر توان داخلی و در شرایط تحریم‌های شدید بین‌المللی به‌دست آمده، نشان‌دهنده ظرفیت تمدن اسلامی برای بازآفرینی خود در مواجهه با چالش‌های معاصر است. برای جوامع اسلامی، که اغلب با تصویر تحریف‌شده‌ای از خود به‌عنوان تمدنی عقب‌مانده مواجه بوده‌اند، این حرکت به‌مثابه نمادی از توان تمدنی و امکان بازگشت به جایگاه تاریخی است. این احساس، که ریشه در غرور تمدنی دارد، نه‌تنها به تقویت همبستگی در میان امت اسلامی کمک کرده، بلکه انگیزه‌ای برای نسل‌های جوان مسلمان ایجاد کرده تا در مسیر پیشرفت علمی و تکنولوژیک گام بردارند. حرکت موشکی ایران، به‌عنوان یک دستاورد تمدنی، نه‌تنها قدرت نظامی، بلکه ظرفیت‌های علمی و فرهنگی ایران را به نمایش گذاشته و به جوامع اسلامی این پیام را منتقل کرده که تمدن اسلامی همچنان زنده و پویا است.

**علاوه بر این**، تشخص ناشی از حرکت موشکی و استقلال ایران، از منظر روان‌شناختی و جامعه‌شناختی نیز قابل تحلیل است. در جهانی که گفتمان‌های غربی تلاش کرده‌اند تا جوامع اسلامی را به‌عنوان حاشیه‌ای و وابسته به مرکز غربی ترسیم کنند، دستاوردهای ایران در حوزه موشکی و حفظ استقلال سیاسی، این روایت را به چالش کشیده است. این دستاوردها، که در برابر فشارهای بی‌امان نظام سلطه جهانی به‌دست آمده‌اند، به جوامع اسلامی این امکان را داده‌اند که خود را به‌عنوان بازیگرانی فعال و تأثیرگذار در صحنه جهانی بازشناسند. این بازشناسی، که با احساس غرور و عزت نفس جمعی همراه است، به‌ویژه در میان نسل‌های جوان‌تر، انگیزه‌ای برای مقاومت در برابر سلطه فرهنگی و سیاسی ایجاد کرده است. برای بسیاری از مسلمانان، موفقیت ایران در توسعه فناوری‌های پیشرفته و حفظ استقلال در برابر فشارهای غرب، نه‌تنها یک دستاورد ملی، بلکه یک پیروزی تمدنی است که به کل امت اسلامی تعلق دارد. این احساس، که ریشه در اشتراکات تاریخی، هویتی و تمدنی دارد، به تقویت حس همبستگی و اتحاد در میان جوامع اسلامی کمک کرده و آن‌ها را به سوی آینده‌ای امیدوارکننده‌تر سوق داده است.

**در نهایت**، باید تأکید کرد که تشخص ناشی از حرکت موشکی و استقلال ایران، صرفاً یک واکنش احساسی نیست، بلکه ریشه در واقعیات عینی و دستاوردهای ملموس دارد. این حرکت، که با تکیه بر خودکفایی، نوآوری و مقاومت شکل گرفته، به جوامع اسلامی نشان داده است که می‌توان در برابر نظام سلطه جهانی ایستادگی کرد و در عین حال، به پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیک دست یافت. این دستاوردها، که در شرایطی دشوار و تحت فشارهای شدید بین‌المللی به‌دست آمده‌اند، نه‌تنها جایگاه ایران را به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای و تمدنی تثبیت کرده، بلکه به امت اسلامی این پیام را منتقل کرده که با تکیه بر هویت و ارزش‌های خود، می‌توان آینده‌ای متفاوت و عزتمندانه رقم زد. این تشخص، که ریشه در تاریخ، هویت و تمدن اسلامی دارد، نه‌تنها به ایران، بلکه به کل جهان اسلام تعلق دارد و می‌تواند به‌عنوان نیرویی محرکه برای احیای تمدن اسلامی در قرن بیست‌ویکم عمل کند.

### ۱۰. تشریح ابعاد و ویژگی‌های عملیات غرورآفرین وعده صادق ۳

نخستین ویژگی برجسته عملیات «وعده صادق ۳»، تعهد ایران به استمرار این سلسله عملیات در پاسخ به هرگونه تحرک خصمانه رژیم صهیونیستی است. این عملیات، که به‌عنوان بخشی از دکترین دفاعی ایران مبتنی بر بازدارندگی فعال و پاسخ متقارن طراحی شده، نشان‌دهنده عزم راسخ تهران برای حفظ ابتکار عمل استراتژیک در برابر تهدیدات است. برخلاف اقدامات نمایشی و محدود رژیم صهیونیستی، که اغلب با هدف جبران شکست‌های راهبردی و حفظ وجهه سیاسی انجام می‌شوند، عملیات «وعده صادق ۳» با برنامه‌ریزی دقیق و اجرای مستمر، پیامی روشن به دشمنان ایران ارسال می‌کند: هرگونه تجاوز، با پاسخی قاطع، متناسب و پایدار مواجه خواهد شد. این استمرار، که ریشه در تحلیل‌های دقیق نظامی و اطلاعاتی دارد، نه‌تنها از منظر عملیاتی، بلکه از منظر روان‌شناختی نیز تأثیر عمیقی بر رژیم صهیونیستی گذاشته است. تداوم این عملیات، با تکیه بر توانمندی‌های موشکی و اطلاعاتی ایران، به‌ویژه در شرایطی که زیرساخت‌های دفاعی این کشور از حملات دشمن مصون مانده‌اند، نشان‌دهنده ظرفیت بالای ایران برای مدیریت بحران‌های پیچیده و حفظ برتری راهبردی در طولانی‌مدت است.

دومین ویژگی این عملیات، گسترش جغرافیایی آن به چندین شهر کلیدی در سرزمین‌های اشغالی است. برخلاف عملیات‌های پیشین که عمدتاً بر اهداف نظامی و نمادین در عمق استراتژیک رژیم صهیونیستی، نظیر تل‌آویو، متمرکز بودند، عملیات «وعده صادق ۳» با توزیع حملات در چندین کانون شهری، رویکردی چندجانبه و فراگیر را به نمایش گذاشته است. این گسترش جغرافیایی، که با دقت و بر اساس ارزیابی‌های اطلاعاتی دقیق انجام شده، نه‌تنها توانایی ایران در هدف‌گیری همزمان چندین نقطه حساس را نشان می‌دهد، بلکه فشار روانی و عملیاتی بر رژیم صهیونیستی را به‌طور قابل‌توجهی افزایش داده است. انتخاب شهرهای متعدد به‌عنوان اهداف عملیات، از یک‌سو بیانگر عمق نفوذ اطلاعاتی ایران در شناسایی نقاط آسیب‌پذیر دشمن است و از سوی دیگر، نشان‌دهنده ظرفیت ایران برای اجرای عملیات‌های پیچیده و چندلایه در مقیاس وسیع است. این رویکرد، که با بهره‌گیری از موشک‌های بالستیک و کروز با دقت بالا انجام شده، رژیم صهیونیستی را در موقعیتی قرار داده که توانایی پاسخ‌گویی مؤثر به این حجم از حملات را ندارد و در نتیجه، شکنندگی زیرساخت‌های دفاعی و شهری آن بیش از پیش آشکار شده است.

سومین و شاید مهم‌ترین بعد عملیات «وعده صادق ۳»، تمرکز بر هدف‌گیری زیرساخت‌های استراتژیک رژیم صهیونیستی، به‌ویژه پالایشگاه‌ها و تأسیسات حیاتی مرتبط با آن‌هاست. پالایشگاه‌ها، به‌عنوان شریان‌های اصلی اقتصاد و انرژی رژیم صهیونیستی، نقشی محوری در پایداری این رژیم ایفا می‌کنند. هدف‌گیری این زیرساخت‌ها، که با استفاده از موشک‌های پیشرفته و با دقت بالا انجام شده، نه‌تنها خسارت‌های اقتصادی قابل‌توجهی به تل‌آویو وارد کرده، بلکه توانایی این رژیم برای تأمین نیازهای انرژی خود را به چالش کشیده است. این اقدام، که در چارچوب استراتژی «نقاط فشار اقتصادی» طراحی شده، نشان‌دهنده درک عمیق ایران از نقاط ضعف ساختاری دشمن و توانایی آن در بهره‌برداری از این آسیب‌پذیری‌هاست. حملات به پالایشگاه‌ها و زیرساخت‌های مرتبط، با توجه به وابستگی شدید رژیم صهیونیستی به این تأسیسات، نه‌تنها پیامدهای اقتصادی، بلکه تبعات سیاسی و

اجتماعی گسترده‌ای نیز به دنبال داشته است. این عملیات، با ایجاد اختلال در زنجیره تأمین انرژی و افزایش فشار بر نظام سیاسی تل‌آویو، رژیم صهیونیستی را در موقعیتی قرار داده که ناچار به بازنگری در محاسبات استراتژیک خود است.

در مجموع، عملیات «وعده صادق ۳» با ویژگی‌های استمرار، گسترش جغرافیایی و تمرکز بر زیرساخت‌های استراتژیک، نه‌تنها توانمندی‌های نظامی و اطلاعاتی ایران را به نمایش گذاشته، بلکه جایگاه این کشور را به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای غیرقابل‌چشم‌پوشی تثبیت کرده است. این عملیات، که با دقت و هماهنگی بی‌سابقه‌ای اجرا شده، نشان‌دهنده تحول در دکترین نظامی ایران و توانایی این کشور در مدیریت منازعات پیچیده است. در عین حال، این اقدام پیامی روشن به رژیم صهیونیستی و حامیان آن ارسال کرده است: ایران نه‌تنها از توان دفاعی و تهاجمی لازم برای پاسخ به تهدیدات برخوردار است، بلکه با تکیه بر استراتژی‌های چندلایه و پایدار، قادر است معادلات منطقه‌ای را به نفع خود تغییر دهد. این تحولات، که در چارچوب یک رویکرد آکادمیک و نخبگانی تحلیل شده‌اند، ضرورت بازنگری در دیدگاه‌های سنتی نسبت به منازعه ایران و رژیم صهیونیستی را بیش از پیش برجسته می‌سازد.

### ۱۱. متافیزیک جنگ و دریافتهایی برای آینده

در منطق دینی جهاد اکبر و جهاد اصغر نسبت وثیقی با هم دارند. یولیوس اوولا در کتاب «متافیزیک جنگ: پیکار، پیروزی و مرگ در عالم سنت» معتقد است که با ظهور سنت اسلامی، مفهوم جنگ مقدس آریایی در قالب جهاد اسلامی تداوم یافته و اصول متافیزیکی سنت اسلامی ریشه در اصول معنوی سنت پارسی دارد. از منظر او، در انگاره آریایی باستان، دین به مثابه خدمت نظامی تحت پرچم خداوند روشنایی تعریف شده و جنگ، نمادی از مبارزه ابدی میان نیروهای خیر و شر است؛ به‌طوری که ایرانیان خود را سپاهیان خداوند روشنایی می‌دانستند. در سنت عرفانی نیز ،شرق با شروق و اشراق و نور و طلوع پیوند خورده است به همین دلیل، او شرق را به عنوان مکانی می‌بیند که از طریق جنگ به بلوغ معنوی رسیده است و ایران را سرچشمه این نور درنظر می‌گیرد. او به مفهوم «فره‌وشی» در دین زرتشت به معنای نیروی درونی و روح نگهبان هر انسان اشاره می‌کند؛ مفهومی که به زنان نورانی جنگ نیز اشاره دارد که سبب ظهور روحیه استعلایی سلحشوران می‌شوند. «میترا» به عنوان جنگجویی که با تاریکی می‌جنگد، در مرکز این باورها قرار دارد و تا ظهور «سوشیانت»، منجی‌ای که صلح را به ارمغان می‌آورد، همواره بیدار است.

اوولا با تاثیر از مفهوم اسلامی جهاد، جهاد اصغر به معنای جنگ با دشمن فیزیکی و خارجی را در رابطه‌ای دوسویه با جهاد اکبر، به معنای جنگ با دشمن درون تبیین می‌کند. با اینحال، او با انتقاد از تلقی جهاد اکبر به عنوان امری صرفا باطنی که همسو با دنیاگریزی و ریاضت‌گرایی است، ظهور دشمن درونی اصلی را دقیقا در زمانی می‌داند

که رنج‌ها، سختی‌ها و خطرهای جنگ در صورت‌هایی همچون ترس، اندوه، عصیان و خیانت بر انسان چیره شود و انسان به طور همزمان در نبردی دوگانه میان دشمن درونی و خارجی قرار گیرد.

او همچون عرفای اسلامی معتقد است انسانی که در زمان جنگ خارجی، بر دشمنان بزرگ‌تر درون خود همچون ترس و ناامیدی درونی غلبه کند، به نیرویی شکست‌ناپذیر و تجربه نوع جدیدی از خود دست می‌یابد که در برابر هر بحران، تاریکی و آشوبی استوار است و با ظهور دوران پس از جنگ، مبنای یک پیشرفت عظیم را فراهم می‌سازد.در واقع کسی که از جنگ با شجاعت خارج شود ،آینده ای به مراتب درخشانتر خواهد داشت.

### ۱۲. دشمن فقط با موشک نمی‌جنگد؛ با داده هم می‌جنگد

در منطق جنگ ترکیبی، سلاح دشمن فقط انفجار و باروت نیست؛ داده و روایت هم در خط مقدم قرار دارند. پیام‌هایی که ما در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌کنیم – حتی اگر صرفاً واکنشی شخصی یا احساسی به وضعیت روزمره باشد – در معرض رصد مداوم اتاق‌های تحلیل دشمن است.

این اتاق‌ها نه‌فقط به‌دنبال شنیدن سخنان ما، بلکه در پی «سنجش روان جامعه»، «شناسایی گسل‌های فعال» و «پیش‌بینی‌پذیری رفتار عمومی» هستند. آن‌ها از همین محتواها برای تصمیم‌سازی در حوزه‌هایی چون عملیات روانی، مداخله رسانه‌ای، و حتی طراحی فشارهای دیپلماتیک و امنیتی استفاده می‌کنند.

هر بار که در کلام خود – ولو ناخواسته – نشانه‌ای از فروپاشی، ناامیدی، یا تفرقه مخابره می‌کنیم، در واقع به حریف سیگنال می‌دهیم: این نقطه، مستعد فشار بیشتر است.

از همین‌رو، مسئولیت رسانه‌ای فقط بر دوش نهادها نیست؛ شهروندان نیز، هرکدام در جایگاه یک گره ارتباطی در شبکه اطلاعاتی، حامل بار سنگینی هستند. تفکیک میان نقد آگاهانه با تولید یأس عمومی، و مرزبندی میان مطالبه‌گری دلسوزانه و تخریب‌گری رسانه‌ای، از ملزومات سواد رسانه‌ای در وضعیت جنگ شناختی است.

### ۱۳. نبرد آخر و آینده ایران

حمله اسراییل به ایران آخرین تصور همه ما از درگیری جمهوری اسلامی ایران با جبهه استکبار جهانی بود. حتی پیش از این، درگیری با آمریکا را در چند برهه از ابتدای انقلاب تجربه کرده بودیم، اما درگیری مستقیم با اسراییل آخرین نقطه است.

اتفاقی که در طول ۴۷ سال گذشته رخ نداده بود و بالاخره در ۲۳ خرداد ۱۴۰۴ برابر با ۱۳ ژوئن ۲۰۲۵ اتفاق افتاد. پس از این جنگ، یا اسراییل(یعنی آمریکا) به کل منطقه غرب آسیا مسلط خواهد شد و نظمی نوین در خاورمیانه جدید خواهد ساخت که از لبنان و سوریه تا هند کشیده می‌شود و تمام کشورهای عرب و ترک و فارس منطقه را زیر سلطه خود قرار خواهد داد و یا ایران به قدرت اول غرب آسیا بدل خواهد شد و نظم جدیدی در جهان شروع به شکل‌گیری خواهد کرد و فرم قدرت در جهان تغییر خواهد کرد.

همانگونه که رهبری معظم انقلاب در ۱۳ آبان ۱۴۰۱ در اوج بحرانی که برای ایران ساخته بودند پیش‌بینی کرده بودند، قدرت به آسیا بر خواهد گشت و آمریکا بیش از پیش افول خواهد کرد و مقاومت که مبدع آن جمهوری اسلامی است، سکه رایج جهانی خواهد شد.

ممکن است این نبردی که از دو روز پیش آغاز شده، به این زودی پایان نیابد و نیاز است این شرایط را درک کنیم. این جنگی نه برای بقا، بلکه برای پیشرفت است. در طول چهار دهه گذشته، آمریکا و اسراییل و همراهانشان همواره از موانع پیشرفت ایران بوده‌اند و در پس این جنگ، پیشرفت ایران طلوع خواهد کرد و ایرانی نو متولد خواهد شد که صف دوست و دشمن آن در درون و بیرون مشخص شده‌اند و آنها که در میانه این رزم‌باقی مانده‌اند با هر نگاه و سلیقه و پوشش و رفتاری، ملت واقعی ایران هستند که برای ایران تا پای جان می‌مانند و ایران سربلند از این نبرد را به قله خواهند رساند و آرزوی عدالت همراه با رفاه برای همه ایرانیان را در داخل و حق تعیین سرنوشت برای ملت‌های ضعیف مانند فلسطین در منطقه و سایر نقاط جهان را محقق خواهند کرد و دست پلید دشمنان داخلی پیشرفت ایران که به تبعیض و فساد و همراهی با دشمن خارجی آلوده بوده است را نیز قطع خواهند کرد.

این جنگ تاریخی، ملت ایران را آماده ورود به فصلی جدید از تاریخ خود خواهد کرد به خواست خدا و به خاطر خون پاک شهیدان وطن...

### ۱۴. چرا ایران پیروز می شود؟

در روزگاری که رسانه‌های جهانی با تزویر، صدای حقیقت را خفه می‌کنند، یک واقعیت انکارناپذیر، همچون خورشید در آسمان می‌درخشد: انسجام ملی و دینی درخشان، رخشان و بی مانند ایرانیان.

ملت ایران، کهن‌ترین تمدن تاریخ، بارها از دل تهاجم‌ها، تحریم‌ها، و تهدیدها چون ققنوسی سربرآورده است.

حمله اخیر رژیم صهیونیستی به ایران نه نشان از قدرت، بلکه نشانه‌ای آشکار از ضعف، ترس، و استیصال آن رژیم است؛ رژیمی که در باتلاق بحران‌های داخلی، اختلافات قومیتی، و انزوای جهانی گرفتار آمده، امروز به عملیات‌های نمایشی روی آورده تا شکست‌های پی‌درپی‌اش را بپوشاند.

اما ایران، همانی است که بود: ملتی واحد با غروری تاریخی. از مشروطه تا دفاع مقدس، از تحریم‌های سنگین تا فشارهای رسانه‌ای، ایرانیان همواره نشان داده‌اند که در بزنگاه‌ها، یکدل و متحدند.

در برابر رژیمی که مشروعیت مردمی و حتی مردم مشروع یعنی ملت ندارد، جمهوری اسلامی ایران با پشتوانه مردمی، عمق راهبردی منطقه‌ای و توان دفاعی بومی، توانسته توازن را بر هم زند. در این نبرد، نه فقط سلاح، بلکه اراده ملی، غیرت تاریخی و خون دل‌سوختگان این سرزمین تعیین‌کننده است.

و ایران پیروز می‌شود، چون:

- به مردمانش تکیه دارد، نه به لابی‌های خارجی.
- به ریشه‌های تمدنی‌اش باور دارد، نه دروغ‌های هویتی.

- به انسجام درونی‌اش دل بسته، نه نمایش‌های خارجی.

ایران پیروز می‌شود، چون از دل مردمش می‌جوشد. نه مانند رژیم غاصب قدس از زرادخانه‌های اجاره‌ای. مردم ایران با حمایتی تمام عیار از نظام اسلامی نشان دادند که دست کم وقتی پای دشمن خارجی در میان باشد، "نظام یعنی ایران و ایران یعنی نظام". این یک تجربه تاریخی جمعی بی بدیل برای شناخت هویت عمیق ایرانیان بود.

### ۱۵. مراقب جنگ روانی و رسانه دشمن باشید

روزها و ساعت‌های عجیبی خواهیم داشت. رژیم صهیونیستی می‌خواهد به هر شکل ممکن روحیه و موقعیت خود را حفظ کند و با توجه به اینکه امریکایی‌ها به صورت مستقیم در تجاوز به کشورمان مشارکت دارند و بیش از این به نظر نمی‌رسد بتوانند مشارکت کنند، روند فرسایش رژیم صهیونیستی با سرعت بیشتری ادامه خواهد یافت. ایران س از اتفاقات ۴۸ ساعت گذشته در حال حرکت به مسیر جدیدی است که سرنوشت بسیاری از مسائل را روشن می کند.

صدور بیانیه‌های پی در پی توسط صهیونیست‌ها خطاب به مردم ایران بخشی از جنگ روانی و رسانه رژیم برای ترساندن مردم است مردم ایران باید بدانند که ایران بسیار وسیع بزرگ و قدرتمند است و رژیم کوچک و حقیر صهیونیستی به هیچ عنوان نمی‌تواند ضربه‌ای به ما وارد کند. در هر صورت باید بدانیم ما وارد جنگی ناخواسته شده‌ایم و ناچار به دفاع از خود هستیم و در این زمینه به هیچ عنوان کوتاهی نخواهیم کرد.

توان هوایی، قدرت عوامل مخرب و خائن و نفوذی صهیونیستی به شدت کاهش یافته و به همین میزان و در همین مسیر قدرت پدافندی صهیونیست‌ها هم به شکل قابل توجهی در حال کاهش است. درست است که صهیونیست‌ها می گویند ما برای چند هفته جنگ برنامه‌ریزی کرده بودیم اما آنها انتظار نداشتند که ایران صدها موشک بالستیک و صدها فروند پهپاد را فقط در دو شب روانه سرزمین‌های اشغالی کند. آنها فکر می کردند پس از اقدامات تروریستی در تهران و به شهادت رساندن فرماندهان ارشد نظامی زنجیره قدرت و ارتباطات از هم خواهد گسست و ایران در سایه حملات سایبری به پدافند در کنار حملات نزدیک عوامل نفوذی قافیه را خواهد باخت.

اما موضوع کاملا برعکس شده است. این رژیم است که حالا می‌بیند ایران هر نقطه‌ای را که دوست داشته باشد و اراده کند مورد حمله قرار می‌دهد و هرچند موشک می‌خواهد به هر جایی که فکر می کند باید شلیک کرده و آن را در هم می کوبد. قدرت انفجار سر جنگی موشک‌های ایرانی ده‌ها برابر بیش از ریز پرنده‌ها و موشک‌های کروز و بالستیک هوا پرتاب دشمن است. حجم وحشت و به هم ریختگی در سرزمین‌های اشغالی با تبلیغات رسانه‌ای و صدور بیانیه‌های تهدید علیه ملت ایران به هیچ عنوان کاهش نخواهد یافت.

### ۱۶. ظرفیت‌های موشکی ایران را قدر بدانیم.

وقتی یک موشک بالستیک ایرانی از خاک کشورمان به سمت اسقاطیل شلیک می‌شود چه اتفاقاتی را پشت سر می گذارد:

اولین چیزی که سعی در برخورد با آن دارد، ارتش آمریکا در عراق، هواپیماهای رافال فرانسوی در امارات متحده عربی و ناو هواپیمابر کارل وینسون ایالات متحده در خلیج فارس است که سعی می‌کنند با جدیدترین ناوشکن‌های موشکی آن را سرنگون کنند.

اگر موشک ایرانی از همه این سلاح‌های مدرن فرار کند، نیروی هوایی اردن و ارتش آمریکا در اردن و همچنین هواپیماهای تایفون و اف-۳۵ نیروی هوایی سلطنتی بریتانیا از قبرس از راه می‌رسند.

اگر از همه این اژدهاها فرار کند، سیستم دفاع هوایی اسرائیل، آرو ۳، سعی می‌کند آن را در فضا از فاصله ۲۰۰۰ کیلومتری سرنگون کند. اگر آنها شکست بخورند، آرو ۲ سعی می‌کند به محض رسیدن به جو زمین، از فاصله ۱۵۰۰ تا ۵۰۰ کیلومتری، آن را نابود کند.

فراتر از این، یک سیستم دفاعی به نام دیوید اسلینگ آن را از ۳۰۰ تا ۴۰ کیلومتر دنبال می‌کند.

حتی اگر یک موشک ایرانی بتواند از همه این سامانه‌ها عبور کند، در نهایت با گنبد آهنین مواجه خواهد شد. گنبد آهنین سعی می‌کند موشک را در برد ۷۰ تا ۴ کیلومتر سرنگون کند.

آیا موشک هیچ کشوری در جهان با این همه مانع برای رسیدن به هدف مواجه است؟ و به یاد داشته باشید که موشک‌های بالستیک ایران ساخت خود ایران هستند، در حالی که سلاح‌هایی که این موشک را رهگیری می‌کنند، اوج جدیدترین فناوری پیشرفته‌ترین کشورها هستند.

در این شرایط بسیار پیچیده، میراث تهرانی مقدم، حاجی‌زاده‌ها و فرزندان ایران زمین، از تمام تکنولوژی‌های روز دنیا می‌گذرند و خود را به تل‌آویو می‌رسانند.

### ۱۷. مقابله با انتقام ضد انقلاب خائن از مردم

اسرائیل از تمام ظرفیت ضد انقلاب در تهران استفاده میکند. شبکه سلطنت‌طلبان، بهایی‌ها، منافقین و... مأموریت دارند مثل دهه ۶۰ تهران رو ناامن کنند. میخواهند از مردمی که از جمهوری اسلامی در حمله به رژیم کثیف حمایت کردند، انتقام بگیرند. ما هم مثل دهه ۶۰ باید شبکه مردمی حمایتی از کشور رو فعال کنیم. بسیج مساجد، هیئت‌های مذهبی، بچه‌های دبیرستانی، قهوه‌خونه‌ها و... همه باید به شبکه‌هایی موازی برای مراقبت از اوضاع و کمک به هم تبدیل بشوند.

- اگر در محل یا مجتمع مسکونی، پیرمرد یا پیرزنی هست که از شرایط نگران هست، شما باید برای ایشان خرید کنید، نان و میوه و سایر مایحتاج ایشان رو تهیه کنید.
- اگر باک ماشین شما نصفه است برای پر کردنش صف پمپ‌بنزین رو طولانی‌تر نکنید.
- احتمالا اسنپ و تاکسی کمتر پیدا بشود؛ سر راه اگر مسافر دیدید سوار کنید.
- در آپارتمان و پارکینگ را آهسته ببندید. بچه‌ها به صداهای بلند حساس شدند.

- مایحتاج‌تان را متعادل تامین کنید. زیاد خرید نکنید. همه چیز هست؛ مردم رو بابت مایحتاج‌شان نگران نکنید.
- اگر کار واجب ندارید در شهر تردد نکنید.
- به‌طور متناوب از خویشان و دوستان به شکل تلفنی و مجازی احوال‌پرسی کنید و با آنها مهربان‌تر باشید.
- خبرهای مجازی غیر مستند رو به اشتراک نگذارید. اگر کسی در گروه‌ها منفی‌بافی می‌کند،تذکر بدهید.

### ۱۸. آمریکا هزینه همدستی با اسرائیل را خواهد دید

با گذشت چند روز از حمله نظامی رژیم‌صهیونیستی به خاک ایران، تحلیل‌ها و مواضع رسمی پیرامون نقش ایالات‌متحده در این رویداد به یکی از محورهای اصلی فضای دیپلماتیک و رسانه‌ای تبدیل شده است. گرچه مقام‌های امریکایی، به‌ویژه دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات‌متحده، تلاش کرده‌اند نقش مستقیم واشینگتن را در این حمله کمرنگ جلوه دهند، شواهد و داده‌های میدانی و راهبردی چیز دیگری می‌گویند.

ترامپ در مواضع اخیر خود کوشیده است مسئولیت این تهاجم را صرفاً به گردن اسرائیل بیندازد و ایالات‌متحده را بازیگری بیرونی جلوه دهد. بااین‌حال، حمایت‌های لفظی پیشین او از اقدامات نظامی اسرائیل و نیز اعتراف به آگاهی قبلی از حمله، این روایت امریکا را نامعتبر می‌کند.

«ما همه‌چیز را می‌دانستیم»، «ایران باید بفهمد که ایالات‌متحده بهترین و مرگبارترین تجهیزات نظامی را دارد، و اسرائیل خیلی از آنها را دارد و می‌داند چگونه استفاده‌شان کند» و «آن‌ها سخت ضربه خوردند ... و هنوز ادامه دارد؛ خیلی بیش‌تر در پیش است». اینها جملات صریح ترامپ در روزهای اخیر است که آشکارا همدستی واشینگتن را برملا می‌سازد. به‌بیان‌دیگر، ایالات‌متحده حتی اگر بر فرض محال خودش مستقیماً ماشه را نکشیده باشد، بدون تردید اسلحه را فراهم و صحنه را آماده کرده است و اکنون نیز آتش‌بیار این معرکه است.

نگاهی به روابط نظامی و اطلاعاتی دو طرف، روشن می‌سازد که رژیم‌صهیونیستی بدون حمایت امریکا قادر به اجرای چنین عملیاتی نیست. از زمان آغاز عملیات «طوفان الاقصی» در پاییز ۱۴۰۲، وابستگی تسلیحاتی و اطلاعاتی ارتش اسرائیل به امریکا رشد تصاعدی داشته است. در طول این دوره، واشینگتن – همراه با چند کشور اروپایی – بارها زرادخانه‌های تسلیحاتی تل‌آویو را بدون دریافت وجه، بازسازی و تقویت کرده است.

در بعد اطلاعاتی و پدافندی نیز، شبکه‌های پدافندی و جاسوسی امریکا در منطقه، که در چندین کشور غرب آسیا مستقرند، اطلاعات حساس و عملیاتی را در اختیار متحد صهیونیستی خود قرار داده‌اند. بنابراین، به‌سختی می‌توان از شراکت ایالات‌متحده در این حمله چشم پوشید. سامانه‌های امریکایی پدافندی مستقر در کشورهای منطقه به کمک رژیم‌صهیونیستی آمده‌اند.

در برابر این سطح از مشارکت مستقیم و غیرمستقیم، لازم است پاسخ چندلایه‌ای ترتیب داده شود.

ایران باید افکار عمومی جهانی و دولت‌های جهان را متوجه نقش امریکا در این تهاجم کند. بازخوانی مواضع قبلی ترامپ درباره مذاکره و آشکارسازی نفاق پشت شعارهای دیپلماتیک امریکا می‌تواند از ابزارهای مؤثر باشد. باید غرب و امریکا هزینه بین‌المللی حمایت از رژیم صهیونی را پرداخت کنند و در این راستا، تعلیق همکاری‌ها در پرونده هسته‌ای و بازنگری در ادامه حضور در معاهداتی، چون NPT از اقدامات احتمالی است.

امریکا دارای پایگاه‌های نظامی در چند کشور همسایه ایران است. هرچند جمهوری اسلامی با کشورهای همسایه دارای حسن همجواری است، اما این روابط حسنه نمی‌تواند و نباید مانع از پیگیری حقوق دفاعی و امنیت ملی ایران باشد. کشورهای منطقه به‌ویژه در سوی دیگر خلیج‌فارس باید بدانند، در شرایط جنگی میزبانی از پایگاه‌های امریکایی که در تهاجم علیه جمهوری اسلامی کمک لجستیک و اطلاعاتی می‌کنند دیگر پذیرفتنی نیست. هزینه استمرار حضور نظامی امریکا در منطقه بالا خواهد رفت و در صورت تداوم تجاوز، این پایگاه‌ها به اهداف مشروع تهاجمی ایران تبدیل خواهند شد.

همچنین ایران به‌عنوان یکی از بازیگران کلیدی در بازار انرژی، توانایی دارد که در صورت آسیب به تأسیسات انرژی‌اش، ضربه متقابلی به امنیت انرژی غرب وارد سازد. بهره‌گیری از موقعیت راهبردی تنگه هرمز و تهدید منافع نفتی غرب در خلیج‌فارس به‌عنوان بازار بزرگ انرژی، یکی از جدی‌ترین ابزارهای در اختیار ایران است.

اگرچه واشینگتن به‌ظاهر تلاش دارد هزینه تهاجم اسرائیل را پرداخت نکند، اما درعین‌حال مایل است از این فضا برای فشار بیشتر بر تهران استفاده کند. ترامپ گمان می‌کند می‌تواند با تقسیم نقش پلیس خوب و بد، کاسبی سیاسی بکند، اما نمی‌داند که زیان انبوهی در انتظارش است. هم‌پوشانی راهبردی، اطلاعاتی و نظامی میان دو طرف، نشان می‌دهد که هرگونه حمله از سوی اسرائیل، بدون چراغ سبز و پشتوانه امریکا ممکن نیست، بنابراین امریکا هزینه سیاسی، اقتصادی و نظامی این همدستی را پرداخت خواهد کرد.

جنگ اخیر ایران و رژیم صهیونی، صرفاً تبادل آتشی در دوردست میان دو طرف نیست، بلکه طلیعه‌ای از ظهور نظم جدیدی در منطقه است که ترتیبات سیاسی و امنیتی جدیدی را حاکم خواهد کرد. امریکا با شراکت راهبردی با اسرائیل، هزینه بزرگی خواهد داد که مهم‌ترین آن از دست دادن نقش کلیدی خود در نظم آینده منطقه است.

### ۱۹. وضعیت بحرانی و شکننده اسرائیل

یکی از حیاتی‌ترین عناصر این جنگ -که به‌نظرم به‌اندازه کافی درباره‌اش صحبت نمی‌شود- مسئله مهمات است. ببینید، برای آغاز این جنگ به این شکل، و برای دفاع در برابر موشک‌های ایرانی، اسرائیل مجبور شده به‌طور گسترده و فشرده از پیشرفته‌ترین و گران‌ترین انواع مهماتی که اکنون در میان ارتش‌های غربی استفاده می‌شوند، بهره ببرد: اول، موشک‌های رهگیر سامانه‌های تاد (THAAD) و ارو ۳ ( Arrow۳)، و دوم، موشک‌های هوابه‌زمینی که از چند صد کیلومتر (و حتی شاید هزاران کیلومتر) شلیک می‌شوند.

هر دوی این نوع سامانه‌های تسلیحاتی هم بسیار گران هستند و هم بسیار کمیاب. بر اساس منبعی اسرائیلی که دیده‌ام، حتی ایالات متحده آمریکا هم بیشتر از چند صد عدد از این رهگیرهای بسیار پیشرفته را در سال تولید نمی‌کند. حتی اگر اسرائیل بتواند چند صد عدد دیگر خودش تولید کند، در بهترین حالت نمی‌تواند بیشتر از ۲۰۰۰ تا ۳۰۰۰ عدد از این نوع رهگیرها را به‌صورت آماده و در انبار داشته باشد. این‌ها موشک‌های بزرگی هستند که هرکدام میلیون‌ها دلار هزینه دارند.

موشک‌های پیشرفته دوربردی که اسرائیل دارد استفاده می‌کند –مثل B۱۵۸AGM- ساخت آمریکا– نیز فقط در تعداد نسبتاً محدودی تهیه شده‌اند: تا حالا فقط حدود ۳۰۰۰ عدد از این نوع برای ارتش آمریکا تولید شده است. با فرض داشتن ذخایری معادل ۳۰۰۰ موشک هوابه‌زمین و ۳۰۰۰ رهگیر (که تخمین‌های سخاوتمندانه‌ای هستند)، اسرائیل ممکن است ظرف ۱۰ روز مهمات مناسبش را تمام کند. حتی اگر بریتانیا و فرانسه هرچه بتوانند کمک کنند، و آمریکا هم تا جای ممکن اسرائیل را مجدداً تأمین کند، من به اسرائیل بیشتر از ۵ تا ۱۰ روز دیگر با الگوی مصرف فعلی فرصت نمی‌دهم.

بعد از آن، اسرائیل باید سراغ جایگزین‌های بسیار ضعیف‌تر برود – در صورتی که اصلاً از آن‌ها هم به‌اندازه کافی داشته باشد. (اسرائیل همیشه در عرض چند هفته، حتی در جنگ با حزب‌الله و حماس، مهماتش تمام می‌شود.)

در طرف مقابل، ایران احتمالاً ابتدا مدل‌های قدیمی‌تر موشک‌هایش را پرتاب کرده تا سامانه‌های رهگیر اسرائیل را خسته و مصرف کند. وقتی این رهگیرها فرسوده شدند یا برخی از باتری‌های پدافندی آسیب دیدند، آن وقت ایران می‌تواند سراغ قوی‌ترین سلاح‌هایش مثل خرمشهر-۴ با کلاهکی ۱۵۰۰ کیلوگرمی برود. برای مقایسه، تخریب‌هایی که تاکنون در اسرائیل دیده‌ایم حاصل کلاهک‌هایی با یک‌سوم این وزن بوده‌اند. یعنی داریم درباره محو شدن کامل بلوک‌های شهری یا پایگاه‌های نظامی در چند هزارم ثانیه صحبت می‌کنیم.

### ۲۰. غیرت ایرانی پاسخ تهدید است

در روزگاری که صدای موشک‌ها بر فراز آسمان خاورمیانه پژواک دارد، یک تصویر بیش از همه توجه جهانیان را به خود جلب کرده است: مردمی آرام، استوار و باصلابت در خیابان‌های ایران، در مقابل مردمانی پناه‌گرفته در زیرزمین‌های تل‌آویو. این تضاد، تنها یک تفاوت در وضعیت جنگی نیست؛ بازتابی از روحیه‌ی دو ملت در برابر تهدید است. و در این میان، آنچه در چهره و رفتار مردم ایران می‌درخشد، چیزی نیست جز غیرت ایرانی.

غیرت، واژه‌ای ساده اما مفهومی عمیق و ریشه‌دار در فرهنگ ایرانی است. از حماسه‌ی آرش کمانگیر تا ایستادگی در برابر استعمار و تحریم، از مقاومت در جنگ تحمیلی تا امروز که نام ایران در معادلات بزرگ جهانی تکرار می‌شود، غیرت ایرانیان همواره عامل اصلی بقای عزت ملی بوده است. این غیرت، ترکیبی‌ست از شجاعت، عزت‌نفس، مسئولیت‌پذیری ملی و آمادگی برای دفاع از خاک، شرف و کرامت.

حمله‌ی اخیر رژیم صهیونیستی به خاک ایران – چه به صورت سایبری، چه در قالب عملیات خرابکارانه یا حملات هوایی – اگرچه خساراتی وارد کرده، اما یک حقیقت را برای همگان روشن کرده است: ایران نه تنها ضعیف نشده، بلکه پاسخ داده، آن هم با قدرت و دقتی که حتی متحدان اسرائیل را به تردید انداخته است.

در چنین فضایی، مردم ایران نه تنها دچار ترس و اضطراب نشدند، بلکه با آرامش در خیابان‌ها حاضر شدند، چراغ خانه‌ها را روشن نگه داشتند و نشان دادند امنیت، محصول موشک نیست؛ حاصل ایمان و انسجام ملی است.

در برابر این روحیه، جامعه‌ی اسرائیل – علی‌رغم تجهیزات پیشرفته و حمایت‌های گسترده – تصویری متفاوت از خود به نمایش گذاشت. فرار به پناهگاه‌ها، وحشت گسترده در تل‌آویو و گزارش‌های مکرر از اختلال در نظم عمومی، همه بیانگر شکاف عمیقی است که میان قدرت نظامی و قدرت روانی وجود دارد.

ما در ایران جنگ‌طلب نیستیم؛ اما اگر جنگی بر ما تحمیل شود، از هویت، تاریخ و خاک‌مان با تمام وجود دفاع می‌کنیم. این دفاع نه فقط وظیفه‌ی دولت‌ها، بلکه عهدی ناگفته میان مردم و سرزمین‌شان است. و غیرت، آن شعله‌ی درونی است که در لحظات بحران، تبدیل به آتشِ ایستادگی می‌شود.

امروز، بیش از هر زمان دیگر، غیرت ایرانی به جهانیان یادآوری کرد که ایران تنها یک کشور نیست؛ یک مکتب مقاومت است. کشوری که مردمش نه در شعار، بلکه در میدان، امنیت را معنا می‌کنند. و این حقیقتی است که هیچ موشکی یارای خاموش‌کردن آن را ندارد.

### ۲۱. قدرت‌گیری ایران؛ منشا خشم دشمن

ایران اگر از این جنگ سربلند بیرون بیاید به عنوان قدرت برتر در منطقه و جهان اسلام به رسمیت شناخته شده و فصل جدیدی از تاریخ ایران رقم خواهد خورد.

و برای این است که دشمن تمام توان اطلاعاتی و نظامی خود را پای کار آورده است تا این اتفاق رخ ندهد.

این ساعات و این روزها لحظات بسیار حیاتی برای موجودیت سرزمینی ایران است و دشمن به چیزی کمتر از تجزیه و جنگ داخلی در ایران راضی نخواهد شد.

در این ساعات و این روزها با هر ابزار و وسیله‌ای از ایران و از سربازان ایران که با جان خود از این سرزمین دفاع می‌کنند حمایت کنیم. اجازه ندهیم بخشی از جامعه بیش از این تحت تاثیر تروریسم رسانه‌ای غرب به سخنگوی دشمن تبدیل شود.

ایران وطن و ناموس و شرف و همه چیز ماست. بدون ایران هیچ «مایی» وجود نخواهد داشت و انسان بی‌وطن کمتر از هیچ است.

در این روزها وظیفه داریم ولو با صرفه‌جویی، با آرامش روانی، با امیدبخشی به اطرافیان، با دل دادن به افرادی که شاید کمی از صدای انفجارهای دچار ترس شده باشند، با کمک به نیروهای امنیتی و اطلاعاتی به دفاع از سرزمین خود بپردازیم.

ارتش و سپاه ایران پس از ضربات سخت روز اول موازنه آتش را برقرار کرده و ضربات سنگینی به دشمن خونخوار وارد کرده است. اجازه ندهیم رسانه‌های فارسی زبان اسرائیلی جنگ را از زبان دشمن برای ما روایت کنند.

### ۲۲. پرسشی مهم از نسبت اسراییل و آمریکا

یکی از مهم‌ترین سوالات این روزهای حساس پس از ۲۳ خرداد و جنگی که بین ایران و اسرائیل آغاز شده است این است که طرح مذاکره آمریکا هماهنگ با طرح حمله اسراییل بوده یا این دو طرح کاملاً هماهنگ با هم نبوده‌اند؟

- اگر فرض کنیم که این دو طرح هماهنگ بوده است، یعنی از ۶۰ روز پیش، هم‌زمان با نامه نرم و منعطف ترامپ برای دعوت ایران به مذاکرات، رژیم اسرائیل برای روز ۶۱ شروع به طراحی کرده بوده و قرار بوده است از این ۶۰ روز به عنوان دوره فریب برای غافلگیری استفاده شود.
- اگر این فرضیه درست باشد، پس باید منتظر ورود دیر یا زود آمریکا به این منازعه باشیم و با این فرض باقی مسیر را دنبال کنیم و دیگر فریب بازی‌های طرف آمریکایی را نخوریم.
- اما این فرض شواهد مغایری نیز دارد. مثل اینکه نتانیاهو از اعلام قبول مذاکرات در عمان توسط ایران که ترامپ در دیداری که با او در کاخ سفید داشت به خبرنگاران گفت به شدت تعجب کرد!
- حتی ترامپ نشست خبری مشترک با نتانیاهو را در آن روز لغو کرد و نتانیاهو دستپاچه شد و از ضرورت لیبی شدن ایران پس از دیدارش با ترامپ گفت.
- بعید است اعلام ناگهانی مذاکرات با ایران توسط ترامپ و تعجب نتانیاهو و لغو نشست خبری مشترک همگی هماهنگ شده باشد.
- در طول دو ماه گذشته هم اسراییلی‌ها به طور مرتب برای لغو مذاکرات و ارسال پالس منفی تلاش کردند. البته ممکن است نقش پلیس بد را بازی کرده باشند و باز این فرض قابل دفاع باشد که همه چیز طراحی شده بود و نقش‌های پلیس خوب و بد به نحوی پیچیده بین آمریکا و اسراییل تنظیم شده بود.
- اما بیایید فرض کنیم که طرح مذاکره آمریکا و طرح حمله اسراییل کاملاً هماهنگ طراحی نشده بودند و ترامپ با اعتماد به نفس و اینکه می‌تواند طرف ایرانی را راضی به محدودسازی و بعد انصراف کامل از غنی سازی کند مذاکرات را شروع کرد و به نتانیاهو هم این قول را داده بود که سیستم هسته‌ای ایران را بدون درگیری جمع خواهد کرد.
- از طرف دیگر، ترامپ تهدید نظامی هم می‌کرد و ناو هواپیمابر و جنگنده‌های خاص امریکایی را به منطقه آورد تا حساب کار دست طرف ایران بیاید که اگر مذاکره نکند ممکن است درگیری پیش بیاید، اما این لشکرکشی بلوف بود و ترامپ اهل شروع جنگ نبود.

- مذاکرات به آرامی شروع شد، با خواسته‌های محدود آمریکا خوب پیش رفت و همه چیز به لحظه توافق نزدیک شد تا اینکه آمریکا خواسته های دیگری مطرح کرد و میر مذاکرات بهم ریخت. در این لحظه اسراییل که از سرسختی ایرانی‌ها مطمئن بود و به ترامپ هم گفته بود، فرصت را غنیمت شمرد و ضربه خود را زد تا مذاکرات از ریشه منهدم شود و دیگر امکانی برای بازگشت نباشد. حالا ترامپ در این شرایط باید بازی دیگری کند چون شرایط تغییر کرده است. لذا ترامپ حالا با کارت حمله اسراییل بازی می‌کند و در حالی که طراحی خودش نبوده و شاید خودش هرگز چنین تصمیمی با توجه به هزینه‌های آن نمی‌گرفت، اما حالا که نتانیاهو چنین کارتی را رو کرده و پای هزینه‌های آن ایستاده، ترامپ سعی می‌کند از آن برای تعدیل رفتار ایران استفاده کند.
- از همین رو هنوز ترامپ اصرار به امکان ادامه مذاکره و گرفتن امتیازات حداکثری از ایران دارد.
- البته سعی می‌کند خودش را مطلع و راضی از این جنگ نشان دهد.
- هر چند اسراییل بدون شک در لحظه آغاز این تایید را از آمریکا داشته است اما تاییدیه گرفتن غیر از هماهنگی کامل طرفین برای جنگ است.
- نتیجه این تحلیل این است که اگر فرض دوم صحیح باشد، آمریکا مشتاق است با کارت حمله اسراییل به ایران بازی کند اما حاضر نیست وارد این جنگ بشود و در تبعات و هزینه‌های آن شریک باشد.

اگر فرض دوم را بپذیریم، باید بر اساس آن طراحی کنیم و جبهه‌ای از متحدین در برابر اسرائیل ایجاد کنیم چون اسراییل در این فرض دوم عمیقاً تنهاست و تنها هم خواهد ماند.

- پیوستن پاکستان در روز سوم جنگ برای همراهی ایران نشانه خوبی بود. عراق هم نشانه‌ای از اعتراض را در همین روز بروز داد. ترکیه و عربستان هم فاصله معناداری را با جنگ حفظ کرده‌اند. اروپایی‌ها هم ظاهراً قصد ندارند پایشان را به این جنگ باز کنند و عقب‌نشینی مکرون باعث اعتراض وزیر جنگ اسراییل شد. آذربایجان هم درباره استفاده از حریم هوایی کشورش در ظاهر اعلام مخالفت کرد و چین هم دو محموله به ایران فرستاد و پوتین هم مکالمه ای طولانی با ترامپ داشت. اینها حوادث روز سوم جنگ است و همگی با فرضیه دوم همخوانی بیشتری دارد. ایران هم تاکید کرد که جنگ حاضر، جنگ ایران و اسراییل است و هیچکس نباید در آن دخالت کند.
- حتی می‌شود سکوت عجیب نیروهای مقاومت در عراق و یمن و لبنان و پاکستان را هم نشانه ای از طرف ایران دانست که قصد ندارد پای دیگران را به این جنگ باز کند تا در صورت ورود ناتو، ایران هم از این فرصت برای کشاندن جنگ به منطقه و نقاط مختلف جهان استفاده کند.
- اگر فرض دوم به واقعیت نزدیکتر باشد، ممکن است با قمار اسراییل و آغاز این جنگ، ضرباتی غیر قابل جبران به موجودیت و هویت این رژیم وارد شود و اسراییل دوران جدیدی را پس از هفتاد سال ظلم و قتل عام و ترور سازمان‌یافته و شبه دولتی تجربه کند که در نهایت به نابودی‌ش ختم شود.

- اما فرض اول اگر به واقعیت نزدیک باشد، باید منتظر آغاز جنگی منطقه‌ای یا جهانی باشیم و که تبعات آن برای هیچکس قابل ارزیابی نیست و جهان فرم و شکل جدیدی پس از آن به خود خواهد گرفت و ایران آینده قطعاً وضع جدیدی در این تغییر ساخت قدرت در جهان خواهد داشت...

### ۲۳. با مردم فلسطین سخن بگویید

اسرائیل از روز نخست خطابش را مردم ایران قرار داده بود و برای گام دوم تجاوزی که رقم زد، روی خروج و به خیابان آمدن مردم حساب کرده بود. این گیر اصلی طراحی عملیات اسرائیل علیه ایران بود که دیگر می‌شود به ضرس قاطع گفت که شکست خورده است. دشمن اما عقب نخواهد نشست و حالا در فاز دوم تلاش می‌کند دستورالعمل جامعه‌زدایی را پیش ببرد. این تغییر دنده سیاستی تنها در سه روز رقم خورد و از "مردم عزیز ایران" به "مردم تهران هزینه خواهند داد" تغییر موضع ۱۸۰ درجه داد.

جمهوری اسلامی ایران چطور؟ بجز موشک و پهپادی که روانه لانه صهیونیست‌ها می‌کند باید تخاطب عمومی هم داشته باشد. از دیروز سخنگوی ستاد کل نیروهای مسلح با زبان تهدیدی البته معتبر با وطن‌گزینان اسرائیلی سخن گفت که ستودنی است و باید ادامه یابد اما یک حلقه بسیار مهم کاملا رها شده.

جمهوری اسلامی ایران می‌بایست این بار صریح و مستقیم و بی‌لکنت با ساکنان عرب سرزمین‌های ۱۹۴۸ و همچنین مردمان شهرهای مختلف کرانه باختری رود اردن سخن بگوید؛ به لسان سخنگویی عرب زبان و یا شاد به لسان شخص سیدنا القائد روحی فداه. با آواره‌های ساکن در اردوگاه‌های لبنان و سوریه و اردن حرف بزند و حالا که سرب گداخته به سرعت صاعقه بر سر صهیونیست‌ها وارد می‌کند، با این مردم سخن بگوید و آنان را به انتفاضه سوم ـ و ان شاء الله آخر ـ تاریخ فلسطین دعوت کند. دعوت‌شان کند تا به سرزمین‌های خویش بازگردند. باور کنید که گوش‌های مردم فلسطین به سخنان ایران تیز تیز شده.

اینک زمان زبانه کشیدن آتش شعله‌های انتفاضه نهایی مردم فلسطین است؛ زمان آزادی فلسطین، تمامی فلسطین. بیایید ما هم چون دشمن، نبرد را آخرالزمانی و نهایی ببینیم.

### ۲۴. قیامت وجودی ایران و طبیعتِ افشاگر جنگ

بی‌شک هر انسان عاقلی خواهان صلح است اما از واقعیت جنگ نیز گریزی نیست و حتی بر اساس دیدگاه واقع گرایانه زیگموند فروید در پاسخ به نامه‌ی آرمانگرایانه و دیدگاه پاسیفیستی انیشتین، می‌توان جنگ را بخشی از طبیعت گریزناپذیر زندگی برشمرد.

به نظر می‌رسد جنگ با همه‌ی خرابی‌ها و خسارت‌ها و خشونت‌ها و فقدان هایی که به بار می‌آورد، برکاتی نیز دارد. یکی از برکات جنگ، این است که همچون یوم القیامهٔ وجودی پرده‌های نفاق را برمی افکند و دوست و

دشمن واقعی را به ما می‌شناساند و قد و قواره و اندازه‌ی افراد را برای همگان آشکار می‌سازد و ما را از آسمان آرمان ها و ایدئولوژی‌های فرازمینی و اسطوره پردازی های خیالی به زمین سفت واقعیت نزدیک می‌سازد.

به برکت جنگ فهمیدیم چطور برخی منتقدان و اپوزوسیون جمهوری اسلامی و حتی فعالان و زندانیان سیاسی سابق داخل و خارج از کشور، با همه‌ی اختلاف نظرهایی که با حاکمیت دارند، در حمایت از تمامیت ارضی ایران عزیز و علیه رژیم متجاوز گفتند و نوشتند، و در مقابل شاهد بودیم عده‌ای خائن و وطن فروش را که با امکانات این آب و خاک به نام و نشانی رسیده اند، چگونه با کمال وقاحت به وطن پشت کرده‌اند و صرفا برای منافع شخصی و بازگشت به قدرت یا خوشرقصی برای ارباب قدرت و نظام استعماری ماکیاولیستی-هابزی حاکم بر روابط بین‌الملل از نتانیاهوی بی‌آبروی کودک کش و متجاوز و تحت تعقیب از سوی دیوان کیفری بین المللی برای ارتکاب جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت، حمایت می‌کنند و مسیر را برای ضربه زدن دشمن هموار می‌سازند و هیچ ارزشی برای جان هموطنان خود حتی در حد یک محکومیت لفظی کشتار غیرنظامیان قائل نیستند؛ از رضا منتظرالسطنه تا نوچه هایش مثل علی کریمی!

به برکت جنگ فهمیدیم چقدر سرمایه اجتماعی حاکمیت در مواقع بحران‌های این چنینی همچون قدرت نظامی و دفاعی کشور مهم است و به همین طریق اینکه چقدر توجه به تکثرگرایی، مدینه اندیشی، اصلاح و بازنگری در قوانین یا سیاست‌های فرهنگی و اجتماعی که با فعال ساختن گسل‌های قومی و مذهبی و سیاسی مانع تحقق انسجام اجتماعی و وفاق ملی می‌شوند، ضرورت دارد.

با برخی تخریب‌های تروریستی صورت گرفته از داخل کشور فهمیدیم تا چه حد عوامل موساد در خاک ما نفوذ کرده‌اند و اینکه چقدر اسرائیل از رگ گردن به ما نزدیک تر است!

جنگ ایران و اسرائیل، همانا شب قدر و یوم القیامهٔ ایران است و نباید آن را صرفا به جنگِ حاکمیت فروکاست. جنگ تبلی السرائر یک ملت است و باطن و تقدیر و اندازه هر ملتی را از ظلمت قدر خارج ساخته و به روشنایی روز قیامت عیان می‌سازد. جنگ فقط متعلق به حکومت‌ها نیست، بلکه قیامت و افشاگر اسرار درون یک ملت است.

امیدوارم با یاری هستی بخشِ مهرآفرین و با عزم و اراده‌ی پولادین میهن دوستان، خواب آشفته دشمن متجاوز و وطن فروشان خائن هیچگاه تعبیر نشود و تقدیر ایران این باشد که از قیامت وجودی خویش سربلند بیرون آید.

### ۲۵. پایان جنگ چگونه باید باشد؟

نتانیاهو را در این یک سال و نیم شناخته ایم.. احمق است! از هدفی که می گذارد کوتاه نمی آید! با هر هزینه‌ای! به طور شفافی از هفت اکتبر متوجه جنگ وجودی شده است.

نتانیاهو اخیرا گفته است، تغییر نظام سیاسی ایران یکی از اهداف جنگ است. قبلا هم گفته بود که به دنبال نابودی توان هسته ای و موشکی ایران است! در روزهای اخیر رسانه‌های رژیم، سخن از ترور رهبر عزیزمان هم به زبان آورده است.

بنابراین از نگاه رژیم صهیونی، جنگ قرار نیست به این زودی ها تمام شود و نتانیاهو جنگ را طبق برنامه خودش(که شرح آن را قبلا بیان کرده) ادامه خواهد داد!

مهم اینکه ترامپ هم سخن است ادامه جنگ و پشتیبانی آمریکا کرده است.

سئوال مهم این است که در این شرایط ایران چگونه باید پایان جنگ را دنبال کند؟آنچه حضرت آقا فرمودند این بود:

باید رژیم صهیونیستی را بیچاره کرد! باید کاری کرد که او از غلطی که کرده است پشیمان شود. نباید اجازه داد از این جنایت بزرگی که انجام دادند، خودشان را سالم خلاص کنند.

لذا این جنگ باید به گونه ای پایان یابد که دیگر گزینه نظامی(لااقل از سمت رژیم صهیونیستی) در برابر ایران وجود نداشته باشد.

سخنان مسئولان ما نباید به گونه ای باشد که با توقف جنگ، با ادامه تهدید به جنگی دیگر همراه باشد! نباید از عبارت هایی مثل آمادگی برای توقف حملات به فلان شرط و مذاکره برای تمام شدن جنگ و... استفاده کرد! جنگ ما تا پشیمانی دشمن باید ادامه داشته باشد

سخن از ادامه مذاکرات هسته‌ای پس از جنگ هم بیهوده است.به تاسیسات ما حمله کرده است و چندین دانشمند را به شهادت رسانده است. مذاکره برای چی و با چه هدفی؟ باید صنعت هسته‌ای‌مان را احیا کنیم! دیگر اجازه کسی را هم لازم ندارد.

## ۲۶. مثلث شوم نفوذ، اوباش و ضد انقلاب و خیانت خائنان

یکم. حقیقت این است:

اسرائیل بدون کمک از داخل ایران، توان هیچ نقطه‌زنی در عمق خاک ما را ندارد.

- چه کسانی در داخل ایران ریزپرنده ها را هدایت می کنند؟
- پهپاد ها را چه کسی داخل می آورند و یا می سازند؟
- کدام گروه لاستیک آتش می زنند تا وحشت بسازند؟
- در فضای مجازی چه کسانی متولی خالی کردن دل مردم هستند؟

دوم. آنسوی جنگ آشکار امروز

یک روی پنهان وجود دارد؛ نبردی در لایه‌های امنیتی، روانی و اجتماعی:

یک مثلث شوم.

- اساسا رژیم صهیونیستی با این مثلث خائن نقطه زنی می کند
- وگرنه موشک ها تا امروز به اسطبل اسب خورده است
- و نمایشگاه کامیون و حفاظ بیمارستان کودکان بجای انبار مهمات.

سوم. اما این مثلث شوم چیست؟

- اول نفوذ و
- دوم جریان اوباش و
- سوم ضدانقلاب.

نفوذ چشم دشمن است و اوباش مشت دشمن و ضدانقلاب زبان دشمن است.

ابزار اولی اغواست و دومی یغما و سوم القا.

چهارم. تبارشناسی این مثلث

- الف نفوذ. با این جریان آشناییم.

نفوذ تنها با پول اتفاق نمی‌افتد. برخی نفوذی‌ها از خانواده‌های زخم‌خورده فتنه‌ها، اعدامی‌های قدیم، یا معاندان ایدئولوژیک هستند.

- ب. جریان اوباش‌گری، همان حلقه‌ای است که خیابان را به میدان نبرد بدل می‌کند.

بسیاری از این افراد با پول، انتقام شخصی یا تهییج هیجانی به میدان آورده می‌شوند. اما با طراحی سازمان‌یافته.

- ج. ضدانقلاب رسانه‌ای و فعالان گروگان گیری ذهنی

مکانیزم این رسانه‌ها در شرایط خاص علاوه بر روایت و تصویرسازی، «فرماندهی میدانی» است.

این وطن فروش ها نیز از میان فراری ها و زخم خورده ها و نفرت سازان ایدئولوژیک انتخاب می شوند که البته همگی برای خاک فروشی مزدوری می کنند.

پنجم. تا حالا کجا بودند؟

در تمام حوادث تاریخی رد پای این مثل وجود دارد. اما کارفرمای هرسه آنها امروز وسط میدان آمده است و همه چیز برای مردم شفاف شده است.

برای همین است پلیس می گوید اطلاعات نفوذی ها را مردم می دهند. مردم این پیوند را دیدند.

حالا دیگر کسی آتش‌زن لاستیک را فقط یک جوان شورشی نمی‌بیند؛ بلکه پیشانی‌زن میدان عملیات دشمن می داند.

ششم.حرف آخر؛

دست دشمن درون خاک ماست که باید قطع شود. نهادهای امنیتی و نظامی اگر در گذشته از رد این مثلث شوم جا ماندند، امروز دیگر تنها نیستند. شناخت و انسجام مردم را دارند.

مردم وقتی دشمن را بشناسند، هیچ پهپادی در آسمان نمی‌ماند، و هیچ نفوذی در زمین دوام نمی‌آورد.

با چشم باز همه جا را رصد کنیم و پاسدار خاک باشیم که هرچه می کشیم از وطن فروش شیاد است.

## ۲۷. «بزن خراب کن» یا «بایست و نقد کن»؟؛ مرز خیانت و شرافت در عصر وطن‌های متزلزل

وطن‌دوستی؛ حس یا برساختی فرهنگی؟

وطن‌دوستی در ساده‌ترین بیان، دلبستگی عاطفی به سرزمینی است که در آن متولد شده‌ایم، زیسته‌ایم، و هویت خود را از آن گرفته‌ایم. اما در علوم انسانی، این حس صرفاً یک واکنش طبیعی یا غریزی تلقی نمی‌شود؛ بلکه یک سازه‌ی فرهنگی و تاریخی است که در دل روایت‌های ملی، نظام آموزشی، رسانه‌ها، زبان رسمی و مناسک جمعی ساخته و بازتولید می‌شود.

بر اساس نظریه «جماعت‌های تصوری» بندیکت اندرسون، ملت و در نتیجه وطن‌دوستی، پدیده‌هایی تخیلی هستند که در ذهن و زبان جمعی شکل می‌گیرند و از طریق رسانه‌ها و حافظه‌ی فرهنگی، بدل به حس طبیعی می‌شوند. وطن‌دوستی از این منظر، نه صرفاً یک «حس»، بلکه نوعی وفاداری هویتی در دل یک نظام معنایی مشترک است. اما پرسش حیاتی اینجاست: آیا وطن‌دوستیِ واقعی، یعنی وفاداری به خاک و مردم، با وفاداری به ساختارهای قدرت یکی است؟ و اگر نه، چگونه باید آن را تشخیص داد؟

در اینجا مفهومی کلیدی وارد میدان می‌شود: «هوش شرافت».

این ترکیب مفهومی – هرچند تازه و کمتر آشنا – اشاره به نوعی از «خرد اخلاقی» دارد: توانایی تشخیص مرزهای اخلاقی در موقعیت‌های پیچیده و پرمناقشه. کسی که از هوش شرافت برخوردار است، نه در دام ناسیونالیسم کور می‌افتد، و نه از سر نفرت، نابودی وطن را طلب می‌کند. او می‌فهمد که وطن فراتر از نظام حاکم، و مردم اولویت نخست هر انتخاب اخلاقی هستند.

مخالفت مشروع یا خیانت ملی؟

درروزهای اخیر، هم‌زمان با بالاگرفتن تنش نظامی بین ایران و اسرائیل، پدیده‌ای تازه و به‌شدت بحث‌برانگیز در فضای مجازی ایران شکل گرفته است: خوش‌آمدگویی برخی کاربران به حمله نظامی دشمن به زیرساخت‌ها، مراکز حکومتی و حتی چهره‌های کلیدی امنیتی کشور.

این موضع، از سوی بخش‌هایی از جامعه به‌مثابه «خیانت آشکار» دیده شده، و از سوی دیگر، برخی آن را واکنش ناامیدانه به انباشت بی‌عدالتی، فساد یا سرکوب داخلی تفسیر می‌کنند.

در علوم سیاسی، تفاوت میان مخالفت مشروع و خیانت، تفاوتی اخلاقی و کارکردی است. به تعبیر مایکل والزر، فیلسوف اخلاق سیاسی، خیانت یعنی آگاهانه به دشمن اطلاعات یا کمک‌هایی بدهی که منافع جمعی جامعه خودت را تهدید کند، نه صرفاً اینکه از حاکمان ناراضی باشی.

به عبارت دیگر، انتقاد از حاکمیت—even اگر رادیکال باشد—تا زمانی که در چارچوب گفتار داخلی و به قصد اصلاح باشد، مشروع است. اما اگر این نارضایتی به مشارکت در عملیات خرابکارانه یا کمک به دشمن خارجی بینجامد، از مخالفت عبور کرده و وارد حوزه «خیانت» می‌شود.

در چنین فضایی، مردم نه به دولت، نه به مخالفان آن، و نه حتی به «خود وطن» احساس تعلق ندارند. وفاداری به خاک، به تاریخ، به هم‌میهنان، و به آینده، در گرداب بی‌تفاوتی و انتقام فرو می‌رود.

امروز بیش از هر زمان، ما نیازمند بازتعریف وطن‌دوستی هستیم:
نه به‌مثابه اطاعت بی‌قید و شرط از قدرت، و نه به‌مثابه نفی تمامیت آن.
بلکه به‌مثابه یک تعهد اخلاقی به مردم، سرزمین، زبان، تاریخ و آینده.
به‌مثابه محصولی از هوش شرافت، که در آن، مخالفت و مسئولیت هم‌زیست می‌شوند.
وطن‌دوستیِ شرافتمندانه، در نهایت، یعنی ایستادن در کنار زندگی—نه مرگ؛ در کنار مردم—نه قدرت؛ و در کنار حقیقت—نه انتقام
آنچه که روایت هوشمند و خودجوش گفتمان اتنولوژیک ایران وسیع امروز است ، که خیانت نکوهش و تقبیح همگانی یافته و خط انفکاکش با انتقاد و نارضایتی روشن و شفاف
این روزهاهوش شرافت در همبستگی سرزمینی باز تعریف شده است.

### ۲۸. از هر ایرانی چه‌کاری برمی‌آید؟!

در جنگ های امروزی و نبرد فعلی ایران و رژیم منحوس که عموما موشکی و هوایی ست و حضور نظامی آحاد ملت فعلا ممکن نیست، یکی از غصه های مردم و اصناف مختلف این است که «کاش کاری از دستم بر می‌آمد». این حس اکنون بسیاری از افراد را تبدیل به خبرخوان دائمی رسانه و شبکه‌های اجتماعی کرده است. اطلاع از ماوقع و اخبار لازم است اما نه به اندازه‌ای که به مرحله تخدیر و رخوت برسد. ایرانی مسلمان دغدغه‌مند باید کنش‌گر باشد. لذا این پرسش روبروی ما قرار می‌گیرد که «از من چه کاری برمی آید؟»
۱. در وهله اول در هر پست، جایگاه و شغلی هستیم، وظایف محوّله آن را به خوبی انجام دهیم. نگذاریم رخوت در کار ما نفوذ کند. ایران در هر صورت زنده است و به همه مشاغل و اصناف و کنش‌های روزمره شان نیاز دارد.
۲. اگر قادر به کنشگری در فضای مجازی هستید حتما از طریق تولید محتوا و ارتباطات مجازی، امید را پمپاژ کنید. فوروارد اخبار ثمر چندانی ندارد. رویکرد ارتباط مجازی را برای تولید همدلی اجتماعی پیش بگیرید.
۳. نظام ارتباطات واقعی اجتماعی را تقویت کنید؛ با اقوام مرتباً تماس تلفنی بگیرید. به دیدن آن‌ها بروید. احوال آن‌ها را بپرسید و امید و انگیزه و انرژی مثبت را به اشتراک بگذارید.
۴. هنگام خرید از مغازه با فروشندگان خوش و بش کنید و فضا را گرم نگه دارید.
۵. برای نماز به مساجد بروید و قبل و بعد نماز گفتگو کنید.
۶. حضور در پارک ها و کنار مردم بودن نیز انسجام ایجاد می‌کند.
این کارها بظاهر کار خاصی نیست اما در حد وسیع، منجر به تولید نظام ارتباطات اجتماعی یکدست و همدل می‌شود. تمام کارهای فوق از دست عموم مردم برمی آید و واضح است که مسن‌ترها، طلاب و روحانیون و کسبه می‌توانند در زمینه‌هایی فوق کمک بیشتری کنند.

## ۲۹. جنگ، جامعه، مسجد

(نگاهی به مسئولیت ما در جهاد با اسرائیل)

جنگ بیش از اینکه مستقر و متمرکز بر ادوات و امکانات باشد، متمرکز و مستقر بر اراده‌هاست. و نکته‌ای که تعیین‌کننده در سرنوشت_جنگ است، اراده واحدهای انسانی است. تمرکز دشمن به این سمت خواهد رفت که نسبت جامعه‌ی جنگ‌پذیر با امتداد جنگ را دچار اخلال کند تا نتواند ایستادگی و مبارزه را ادامه دهد.

وظیفه رزمنده و نیروهای مسلح این است که به میدان نبرد بروند و سرنوشت جنگ را پیش ببرند، ولی ما نیز در پشت خط_مقدم دارای وظایف جدی هستیم. نحوه دخالت و اثرگزاری و کنش‌گری ما به این نحو است که باید جامعه پشتیبان جنگ و جامعه_مقاوم بسازیم و ما نیز باید در یک میدان جهاد مستقر باشیم؛ یکی از زوایای جهاد، ایستادن ما در جهاد مواسات است که چند لایه است.

**انسجام اجتماعی**

لایه اول هماهنگی، همگرایی و انسجام اجتماعی است. مردم در سختی در جامعه اسلامی بیش از آنکه دنبال جلب منفعت باشند، دنبال منفعت جمعی هستند. دنبال توزیع منفعت‌اند. من کمتر از امکانات بهره ببرم که دیگران نیز در این امکانات شریک باشند. از این رو باید در گام اول جامعه را، جامعه‌ای منسجم کنیم. باید هر اتفاقی، کنشی و رفتاری که باعث دوقطبی، دوگانگی و به جان هم افتادن مردم شود، با آن فاصله بگیریم و مقابله بکنیم.

**مهربانی اجتماعی**

در گام دوم باید مهربانی اجتماعی را توسعه دهیم. مردم در سختی باید بیش از دوران آسایش و عادی همدیگر را دوست بدارند. این دوست‌داشتن و غم‌خوار یکدیگربودن را باید نسبت به همدیگر ابراز بکنند. این ابراز باعث می‌شود که واحدهای اجتماعی نسبت به هم منسجم، متماسک و دارای عِرق شوند.

جامعه باید به این ادراک برسد که ما دارای یک سرنوشت مشترک هستیم. سوار بر یک کشتی شدیم و در این کشتی با یکدیگر به پیش می‌رویم. این سرنوشت مشترک در گِرو هماهنگی، مهربانی و پشتیبانی ما از یک سخن واحد است که آن هم حرف و سخن واحد ایران و مقاومت است.

**مواسات و رسیدگی به محرومین**

گام سوم، مواسات به معنای رسیدگی مضاعف به محرومین است. به این معنا که وقتی شرایط تغییر می‌کند، امکان محرومین برای تامین مایحتاجشان طبیعتا کمتر می‌شود. ما در این‌جا باید خدمت‌رسانی را توسعه دهیم.

کنشگری اجتماعی در راستای ایجاد روحیه و عزم دلسوزی مردم برای همدیگر است. این بزرگترین دستاوردی است که می‌شود تصویر کرد. ما کاری کنیم که مردم دلسوز یکدیگر باشند و این دلسوزی را نسبت به همدیگر ابراز کنند. برای این دلسوزی هزینه و کاری بکنند. همین کارکردن و فعال‌شدن این‌ها خودش سوق جامعه و وجهه جامعه را تغییر می‌دهد.

**مسجد و روحانیت، کانون و محور مواسات**

برای تولید انسجام و مهربانی اجتماعی و یا به تعبیر قرآنی و اسلامی مواسات، ما نیاز به یک محور و کانون داریم. مهم‌ترین کانون، نهادهای دین‌پایه ما همچون مساجد، هیئات و کانون‌های این‌چنینی‌اند و مهم‌ترین محور روحانیت است؛ لذا ما باید بتوانیم مساجد را کانون تولید آرامش در محل بکنیم.

روحانیت و به‌ویژه ائمه جاعات و امامان جمعه در هر شهر باید کنشگری اجتماعی آن‌ها هم تغییر کند و هم اتصال و ارتباط اجتماعی آن‌ها تصاعد پیدا کند و هم تعاملات مردمی آن‌ها با اقشار مختلف توسعه پیدا کند.

این توسعه در ارتباط باید برای آن خلق معنا شود؛ هم خلق مدل شود و هم خلق معنا. اولا تعیین شود که ما در این ارتباط چه چیزی را می‌خواهیم انتقال دهیم یا چه هدفی را دنبال می‌کنیم و ثانیا این هدف را در چه قالبی دنبال کنیم. اینکه مسجد امروز در شرایط جنگی چه محوریت و عملکردی داشته باشد، موضوعی است که باید جداگانه در مورد آن گفتگو بکنیم.

مسجد در محله باید در این ایام کانون تولید_انرژی باشد. باید کانون الهام_بخشی و تولید_معنا و روایت باشد. نباید در این ایام فعالیت مسجد منحصر شود در ساعات نماز، بلکه بایستی مسجد با محوریت جوان_ها و معتمدین محل، در ساعات پویایی اجتماعی و ساعاتی که محل رفت و آمد مردم است، بیرون از مسجد به‌نحوی حضور زنده و پویای خودش در محله را نشان دهد. براساس موقعیت‌ها و مناسبت‌های مختلف.

مساجد باید کانون_سازماندهی_اجتماعی باشند؛ سازماندهی کمک‌های مردمی به نیازمندان؛ سازماندهی رسیدگی به افرادی که در فرآیند حملات آسیب دیدند؛ کانون سرزدن به خانواده‌های شهدا؛ کانون ثبت‌نام برای **اعزام به جبهه‌های مقابله با اسرائیل (حتی نمادین)**

اکنون باید از انواع ایده‌هایی که می‌شود برای فعال‌کردن مسجد و واحدهای کوچک اجتماعی و ایجاد حس در آن‌ها نسبت به این پدیده و مسئولیت در آن‌ها استفاده کرد، بهره برد.

کارکرد دیگر مسجد، تبدیل‌شدن به کانون تولید روایت و جهت‌دهی به ذهنیت_اجتماعی است. ما باید بتوانیم در مسجد حماسه و سوگ را همزمان و با هم پیش ببریم.

## ۳۰. مقاومت در خبر، مقاومت در عمل / شرحی بر جهاد تبیین در عمل

ساختمان شیشه‌ای می‌سوزد ...

۱. دوستان رسانهٔ ملّی، کاش آنجا در کنار شما بودم؛ در ساختمان شیشه‌ای. گاه در آنجا برنامه‌های زنده داشتم و از این قاب و در این جغرافیا، با مردم سخن گفتم، اما وقتیکه در آتش می‌سوخت، حضور در آنجا، معنای دیگری داشت. در این لحظه‌ها، آنجا میدان است. شما در لبهٔ تیزِ خطر قرار گرفتید؛ خطِ مقدّم، آنجاست؛ سنگر آنجاست؛ آنجا بوی جبهه می‌دهد. خوشا به حال شما رزمندگانِ رسانه که توانستید به‌راستی، جنگ نرم را رقم بزنید و وسوسهٔ تهاجم به خود را در ذهنِ ابلیسیِ دشمن پدید بیاورید. این سوختن‌ها، نور می‌آفریند؛ اجازه دهید این بار به‌جای

کلمات و تصاویر، شعله‌های برافروخته با مخاطب سخن بگویند و حقیقت را آشکار سازند. این زبان، گویاست؛ مخاطب درمی‌یابد که این شعله‌ها، چه‌چیز را می‌سوزانند.

۲. ما در شبکهٔ خبر، یک نما از شجاعت مؤمنانه را دیدیم. مجریِ انقلابی، زینب‌وار ایستاد و نهراسید و رجز خواند و در فضای غبارگرفته و پُرخطر استودیو، همچنان با مردم سخن گفت. حتی فیلم‌بردارانی که در پشت‌صحنه بودند، در همان لحظه‌های دشوار، زبان به تکبیر گشودند و بی‌اعتنا به پخش زنده، الله‌اکبر گفتند. این یک نشانه است. این یک نماد از جامعهٔ ایرانی است. اینها جلوه‌های ایمانیِ جامعهٔ ایران است. در اینجا، مقاومت به یک فرهنگ و هنجار تبدیل شده است. یک تفکّر عمیق که همچون باوری راسخ، در جان‌ها آشیانه کرده و در بزنگاه‌ها و لحظه‌های دشوار، متجلّی می‌شود. سلام خدا بر رزمندگانِ رسانه‌ای دلیر و انقلابی. شجاعت‌شان، ستودنی است. این بار در قاب رسانه، با رفتار فی‌البداههٔ اینان، مقاومت را دیدیم؛ مشاهده کردیم که اینان، فقط اخبار مقاومت را نمی‌خوانند، بلکه به مقاومت، باور دارند. این بار، باورهای خودشان را خواندند.

۳. رژیم صهیونی با رسانهٔ ملّی ما، پدرکشتگی دارد. رسانهٔ ملّی از آغاز ماجرای غزه، با خشاب پُر، رژیم صهیونی را نشانه گرفت و یک خطِ مستمرِ رسانه‌ای را رقم زد و بلای جان او شد. سیمای ما، جلوه‌گاه افشاگری علیه صهیون‌ها بود و هست؛ بی‌تعارف و صریح. طبیعی است که صهیون‌ها با اصحاب این رسانه، خصومت عمیق داشته باشد. پاسخ گفتارهای رسانه‌ای اینان را با آتش دادند؛ غافلانه و در روز روشن، به رسانه حمله کردند؛ در حقیقت، به آزادی بیان و دانستن شلیک کردند. از صهیون‌ها عجیب نیست؛ این قوم، آدم‌خوار و خون‌آشام هستند؛ فرزندان ابلیس هستند. صدالبته، شلیک به ساختمان شیشه‌ای، نشان داد که رسانهٔ ملّی، به هدف زده است. خشم دشمن، حاکی از توفیق اینان است. استودیوی رسانهٔ ملّی، اتاق جنگِ واقعی بود و هست. آری، ساختمان شیشه‌ای را به آتش کشیدند، چون از پشت این شیشه‌ها، حقیقت به جهان عرضه می‌شود، اما اصحاب ابلیس، از حقیقت گریزانند. چنین است که آتش به دامان حقیقت می‌افکنند.

**نتیجه عکس حمله به صدا و سیما**

نفیسه کوهنورد خبرنگار بی بی سی درباره حمله رژیم به صداوسیما میگه که اینکار رسما جنگ با مردم است.

بقیه دنیا هم همینطور قضاوت می کنند. آنهم با اقدام جانانه خانم مجری.

اما هدف رژیم چی بود؟ بگه ما دنبال زدن مردم نیستیم. برای همین هم از قبل اعلام می کنیم کجا را میزنیم.

حال یک سوال ساده رژیم چرا صدا و سیما را زد؟ اینهمه مکان نظامی و غیرنظامی.

پاسخ اینست که طی این چند روز هم در میدان شکست خورده بود و هم به تبع در رسانه.

تصور می کرد رسانه ملی را بزند، اثر نمادین دارد و بیشتر دیده میشود. حالا که در رسانه نمی آید به زور و ضرب وارد شود.

اما دقیقا نتیجه عکس داشت. خطایی که سر انتشار فیلم شهادت سنوار هم مرتکب شدند.

سطح حماقت رژیم چنین است. این فرقه متوهم در ابتدایی ترین ها وامانده است.

اینو ازین جهت گفتم که در تحلیل هامون درباره رژیم اندازه اونو دقیق محاسبه کنیم و دچار درشت نمایی نشویم.

**بسیج برای مهار بهائیت در صحنه باشد**

بسیاری از حملات در تهران و کرج را عوامل خودفروخته و مزدور موساد با پهپادهای FPV انجام دادند و نه جنگنده ها و یا بالستیکهای دور ایستا.

این مساله از چند منظر مهم است؛ اول آنکه توان تهاجمی دشمن برای حمله دوربرد به تهران به کمک جنگنده ها تحلیل رفته و نمی تواند دائمی باشد. یعنی دست دشمن صهیونیستی در نیروی هوایی موثر کوتاه‌تر از آن است که دائم به تهران دست‌اندازی کند. از این رو مجبور به استفاده از شیوه‌های دیگر و جذب و استخدام مزدور و عناصر خودفروخته است.

دوم شبکه‌ها و بسترهای اجتماعی رخنه امنیتی این عملیات ها که از داخل و بیرون شهر انجام می‌گیرد باید واکاوی شود.تجربه خوب مهار منافقین در دهه ۱۳۶۰ به کمک بنگاه‌های معاملات املاک پیش‌روی ما است. باید با کاربست بسیج و بسیج مردمی بسترهای اجتماعی این رخنه امنیتی را شناسایی کرد.

شناسایی چند جاسوس خرابکار در قم به اشاره یک کودک در روزهای نخست خردادماه امسال، اهمیت حساس بودن بدنه جامعه به دشمن را نشان می‌دهد. تمام آحاد ملت شریف و به ویژه شبکه بسیج مردمی باید با حساسیت، مراقب محیط اجتماعی باشند. به تعبیر امام خمینی همه آحاد ملت، باید نیروی اطلاعاتی باشند.

بازماندگان منافقین و گروهک‌ها زمینه مساعدی برای جذب مزدوری دارند.

عمده جاسوسان و خرابکاران دستگیر شده در ۲۴ ساعت گذشته که به نفع اسرائیل در صنایع نظامی و صنعتی مشغول خرابکاری بودند، عضو گروهک صهیونیستی و ضاله بهائیت هستند.

این فرقه پیشتر در کنشگری رسانه‌ای خود به ویژه در بی‌بی‌سی و من‌وتو و نیز شورش‌گری در فتنه ۸۸ و نیز فتنه مهسا در سال ۹۸، نشان داده بود که شیفتگی و استعداد فراوانی دارد که به عنوان بازوی مدنی و سپس میلیشایی موساد در میهن‌ما، ایفای نقش کند.

بابیت و بهائیت، اصالتا یک گروهک تروریستی است که در دامن استعمار رشد کرد تا با ترور امیرکبیر و ترورناکام ناصرالدین‌شاه و... و برکشیدن رژیم پهلوی بر مقدرات کشورمان، چیره شود و به ویژه در دولت هویدا بر ایران تسلط کامل یافت و این چیرگی مقارن بود با سرسپردگی کامل رژیم پهلوی در برابر اسرائیل.

خام‌اندیشی است که باور کنیم صهیونیست‌ها در این شرایط حساس که موجودیت خویش را با تهدید وجودی مواجه می‌بینند؛ حزب صهیونیستی بهائیت را به مسلخ نفرستند.

بنابراین از اصلی‌ترین کانون‌های مورد توجه قوای اطلاعاتی و امنیتی و بسیج مردمی، برای شناسایی مزدوران شبانه صهیونیست‌ها، حلقات بهائیت است.